

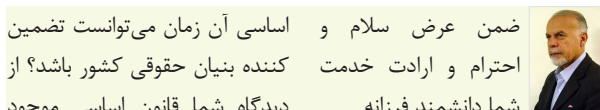
سخن سردبیر



چه بر سردارید؟
توافق یا تئوری توطئه

از آنجا که مسئله فلسطین یکی از معضلات بزرگ و مهم دنیای اسلام است و تصمیم‌گیری در مورد فلسطین تبدیل به امری حیثیتی برای مسلمانان گشته است. اخیراً تحرکاتی از جانب دولت صهیونیسم در ارتباط با ایجاد توافق با دو دولت بحرن و امارات مشاهده می‌شود که باعث نگرانی دولت و ملت مسلمان ایران و جهان شده است. خبرها حاکی است که محتوای این توافق ایجاد دو دولت در فلسطین اشغالی و در واقع پذیرش غاصب به عنوان دولت در منطقه مسلمان‌نشین می‌باشد، اما آنچه که موضوع را مهمتر می‌کند این است که این امر می‌تواند پاشنه آشیل توطئه‌ای دیگر علیه مسلمانان فلسطین باشد و به نظرم می‌شود گفت این طرح در راستای طرح دولت ترامپ در به رسمیت شناختن پایتخت دولت صهیونیسم در بیت المقدس است چنانکه وزیر خارجه

گفتگوی ویژه با جناب آقای دکتر بنی‌اسدی فعال سیاسی و وزیر مشاور در امور اجرایی دولت موقت



ضمن عرض سلام و احترام و ارادت خدمت شما دانشمند فرزانه جناب آقای دکتر بنی‌اسدی، از اینکه وقت ارزشمند خود را در اختیار این نشریه قرار دادید، از شما سپاسگزاریم. با توجه به اینکه جنابعالی از پیشکسوتان و تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده‌اید و در این زمینه اطلاعات خوبی برای تنویر افکار عمومی دارید فرصت را غنیمت شمردیم که سؤالاتی پیرامون قانون اساسی کشور و چالش‌های اساسی حقوقی که کشور به آن مبتلاست را با حضرت‌عالی در میان بگذاریم و پاسخ‌های حضرت‌عالی و راهکارهایی که برای حل این چالش‌ها می‌توان ارائه کرد را از زبان مبارک حضرت‌عالی بشنویم.

❶ در مرحله نخست باید از حضرت‌عالی بپرسیم که ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که پیش‌نویس قانون اساسی نزد شورای انقلاب برای اجرا در سطح کشور پیشنهاد شد کدام چالش‌های موجود را مدنظر قرار داده بود؟ و اینکه آیا پیش‌نویس قانون

اساسی آن زمان می‌توانست تضمین‌کننده بنیان حقوقی کشور باشد؟ از دیدگاه شما قانون اساسی موجود در همه مشکلات پیش روی کشور و مردم توانسته پاسخگوی نیازهای بنیادین جامعه و مردم و دولت باشد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

❷ ابتدا لازم است فرمایش شما را در معرفی اینجانب تصحیح کنم که بنده از تدوین‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی نبودم، ولی آنقدر که در جریان کار قرار داشتم و به یاد آورم برای شما عرض می‌کنم.

در حکم نخست وزیری مرحوم مهندس بازرگان تشکیل مجلس موسسان براء تصویب قانون اساسی جدید تصریح شده بود. یکی از اولین اقداماتی که ایشان انجام دادند انتخاب آقای دکتر یدالله سحابی به عنوان وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب بود که از جمله مسؤول امر بسیار مهم تنظیم و تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدید برای ارائه به مجلس موسسان برای بررسی و تصویب آن نیز بودند.

❸ صفحه ۳ و ۲

نقش دولت در افزایش نوسانات ارز و راهبردهای کاهش قیمت ارز

❷ لیلا اسدی خرم‌آبادی

شاید اهمیت ارز برای بسیاری مشهود نباشد اما باید دانست به علت آنکه بخش وسیعی از اقتصاد کشورها در گرو واردات و صادرات است و این معاملات بر اساس ارزهای رایج صورت می‌گیرد پس نوسانات ارز تأثیرات مهمی بر اقتصاد دارد. نرخ یک ارز بر مبنای ارزش پولی هر کشور متغیر است و اگر کشوری ارزش پولش نسبت به ارز کاهش یابد دچار رکود اقتصادی می‌شود.

داشتن نوسانات ارز در طولانی مدت و با جلوگیری از نوسانات لحظه‌ای، به الگوی ثابتی دست یافت زیرا این کار سبب از بین رفتن خرید و فروش‌های هیجانی می‌شود و همچنین در پی آن می‌توان از مانورهای سودجویانه دلان جلوگیری کرد.

تدوین سیاست کارا نیز در نوسانات ارز بسیار موثر است. حضور قدرتمندانه سیاست‌گذاران ارزی سبب افزایش اعتماد می‌شود و بالعکس اگر عوامل اثر گذار سیاسی در این امر موفق نباشند بی‌اعتمادی شیوع می‌یابد بنابراین سیاست‌گذاران می‌توانند با کنترل ارزهای خارجی، نرخ بهره، تغییر نرخ ارز و ... به عوامل

مهم و تأثیرگذار تبدیل شوند. قدرت بخشیدن به بانک مرکزی به عنوان عامل تأثیرگذار بر ارز بسیار مهم است زیرا اگر مردم از امنیت و قدرت مالی بانک اطمینان یابند سیگنال‌های بانک است که اثرگذار می‌شود و بالعکس اگر در عملکرد خود اثری از قدرت بر جای نگذارد سیگنال‌های منفی به بازار تزریق می‌شود که خود عامل اصلی نوسانات ارز است. افزایش تمرکز بر سایر بازارها سبب می‌شود که از تلاطم بازار ارز کاسته شود. افزایش نظارت و شفاف‌سازی‌های مالی از عوامل موثر دیگری است که ثبات ارزی را در پی خواهد داشت.

مشکلات اجتماعی جوانان و بررسی اجمالی پدیده دور دور توسط جوانان و راهکارها و راهبردهای جلوگیری از این امر

❷ لیلا اسدی خرم‌آبادی

عدم وجود امکانات و فرهنگ‌سازی صحیح سبب شده است که بسیاری از افراد به جای پرداختن به تفريحات سالم به دور دور روی بیاورند. دور دور در واقع خیابان گردی‌های شبانه با ماشین است که پیامدهای اجتماعی بسیاری را با خود به همراه می‌آورد. این تفریح که گاهی از آن به عنوان رالی شبانه یاد می‌کنند علاوه بر اتلاف وقت و هزینه، خطرات جانی نیز در پی دارد. این پدیده اجتماعی در گذشته‌های نه چندان دور به قشر مرفه جامعه و جوانان محدود می‌شد. اما امروزه به تفریحی فراگیر تبدیل شده است که در آن همه‌ی بازه‌های سنی حضور دارند.



نادیده گرفتن وجود دلان خود بر نوسانات ارز افزوده است در نتیجه می‌توان دولت را اولین عامل اثرگذار بر نوسانات ارز دانست.

چگونه می‌توان از نوسانات ارز جلوگیری کرد؟

همانطور که همگان می‌دانند عوامل بسیاری قیمت ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد که بسیاری از کنترل خارج و بسیاری قابل کنترل هستند. برای از بین بردن نوسانات ارز راهکارهایی اندیشیده شده است و بسیاری از آنها کارا و بسیاری ناکارآمد بوده است. در زیر پیشنهاداتی در جهت کاهش نوسانات ارز داده می‌شود که توجه به آنها خالی از لطف نیست. با توجه به اینکه در طول زمان بازار ارز از الگوریتم‌های مربوط به خود پیروی می‌کند ایجاد تغییر در این الگوریتم یا الگوهای رفتاری سبب جلوگیری از نوسانات ارز می‌شود. به بیان دیگر می‌توان با ثابت نگه

نقش دولت بر نوسانات ارز

این روزها کشور ایران نسبت به سال‌های گذشته بیشتر درگیر نوسانات ارز بوده است و همین امر سبب ایجاد رکود اقتصادی و بی‌ارزش شدن پول ملی شده است. اما باید دانست که دولت در این نوسانات چه نقشی دارد. اولین دلیل نوسانات ارز را می‌توان در تحریم‌های موجود دانست. از آنجایی که بازارهای ایران به شدت تحت تأثیر سیاست‌های خارجی قرار دارد کوچکترین تغییر رویه سیاسی پیامدهای بزرگی در پی خواهد داشت. از طرف دیگر دولت با کاهش سودهای بانکی موجب کاهش نقدینگی بانک‌ها شده است زیرا بسیاری دیگر سپرده‌گذاری بانکی را به صرفه نمی‌دانند به همین دلیل سرمایه‌های خود را به بازارهایی همچون بورس، طلا و ... انتقال می‌دهند. این کاهش نقدینگی سبب خسارت زدن به منابع مالی به ریال شده است و دولت برای جبران آن چاره‌ای جر تغییر نرخ ارز ندارد. یکی دیگر از عوامل نوسانات ارز وجود واسطه گران و دلان است که بدون نظارت مشغول به فعالیت هستند و از اهمالگری دولتمردان سوء استفاده می‌کنند و خود به تنهایی قیمت ارز را تغییر می‌دهند. اما نباید از این نکته غافل شد که بیشترین میزان ارز در دست دولت است و عدم تزریق به موقع ارز و

نقش سازمان‌های مردم نهاد در کاهش معضلات اجتماعی



عاملی دیگر در پیدایش مشکلات اجتماعی است. اعتیاد مشکل دیگری است که جوانان و نوجوانان بسیاری را درگیر کرده است به طوری که نگرانی‌های فراوانی را به وجود آورده است. در نهایت می‌توان به عواملی همچون افزایش آمار طلاق، کودکان کار، حاشیه‌نشینی و ... اشاره کرد که تا به امروز برای آنها چاره‌ای اندیشیده نشده است.

اما تجربه بحران‌های اجتماعی بسیاری از جوامع نشانگر این است که نباید تنها به امید دولت نشست بلکه بسیاری از مردم با تشکیل سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند به راحتی به فریاد هم برسند و بسیاری از موانع اجتماعی را از بین ببرند.

سازمان‌های مردم نهاد چیست؟

سازمان‌های مستقلی که برای اهدافی همچون امور مدنی، اجتماعی، محیط زیست و ... تشکیل می‌شود و وابسته به هیچ ارگان دولتی نیستند را سازمان‌های مردم نهاد یا سمن‌ها می‌گویند. هدف این سازمان‌ها کسب سود و یا ثروت نیست و هزینه فعالیت آنها توسط اعضا و یا کمک‌های مردمی تامین می‌شود. سازمان‌های مردم نهاد بسیاری برای رفع مشکلات اجتماعی شروع به فعالیت کرده اند و هدف آنها از بین بردن معضلات همگیر جامعه است.

مشکلات و معضلات اجتماعی

بسیاری از مشکلات مرسوم در جامعه ریشه در بی‌نظمی و نابسامانی‌هایی دارد که به موقع ساماندهی نشده است. گسترش شهرنشینی و تبدیل شدن شهرهای کوچک به کلان‌شهرها یکی از دلایل ایجاد معضلات اجتماعی است زیرا بسیاری از افراد فاقد مهارت کافی برای زندگی در این سبک جدید از زندگی هستند. عدم توزیع یکنواخت ثروت در بین اقشار جامعه و افزایش آمار فقر و بیکاری نیز

❷ صفحه ۲

معضلات اجتماعی

کمک سازمان‌های مردم نهاد به کاهش معضلات اجتماعی



تمامی جوامع جهانی از جمله ایران درگیر مشکلات و معضلات اجتماعی هستند که با توجه به توان محدود دولت برای رفع آنها نیاز به کمک‌های مردمی است. با توجه به اینکه ایجاد تشکلهای مردم نهاد در بسیاری از امور فراگیر است این نهادها نیز به امور اجتماعی راه پیدا کرده‌اند. حل مشکلات اجتماعی توسط دولت منوط به سیاست‌های حاکم بر آن است و در بسیاری از موارد مشمول اولویت بندی‌هایی می‌شود که حل آنها را به تاخیر می‌رساند بنابراین لازم است برای تسریع بخشیدن به حل این قبیل امور از مردم کمک گرفت زیرا حمایت صورت گرفته از جانب آنها کامل‌تر و عمیق‌تر است.

سازمان‌های مردم نهاد به علت آنکه برخاسته از بطن جامعه هستند با معضلات اجتماعی بیشتر آشنا هستند زیرا بسیاری با آنها درگیر بوده‌اند. یکی دیگر از محاسنی که سازمان‌های مردم نهاد دارند فارغ بودن آنها از سیستم بروکراسی اداری است به همین علت سرعت روند کار در آنها بالا است. سازمان‌های مردم نهاد به علت آنکه داوطلبانه فعالیت می‌کنند بسیار متعهدتر هستند و تمام تلاش خود را بر ارائه کار با کیفیت و با هزینه کم قرار می‌دهند. این سازمان تعامل بیشتری با مردم دارند و با شنیدن پیشنهادات علاوه بر اینکه پل ارتباطی آنها با دولت می‌شوند روش مناسبی را نیز برای حل مشکلات پیدا می‌کنند. یکی دیگر از فعالیت‌هایی که می‌تواند در حیطه فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد قرار گیرد برگزاری دوره‌های آموزشی برای ایجاد فرهنگ سازی است که به ارتقای سطح فکری جامعه کمک بسزایی می‌کند. آنها می‌توانند در افراد جامعه حس مسئولیت پذیری را بیدار و بستر فعالیت سایر مردم را نیز فراهم کنند. در نهایت می‌توان گفت اهمیت سازمان‌های مردم نهاد در حل مشکلات اجتماعی آنقدر زیاد است که بسیاری از دولتمردان نیز به تشویق مردم برای پیوستن به این نهادها می‌پردازند زیرا بسیاری از مشکلات جامعه که توسط دولت لاینحل باقی مانده است توسط این نهادها به خوبی حل شده است.

ناامنی غذایی، تهدید کننده اقتصاد جهانی

در حالی که پیش از کرونا ویروس، ناامنی غذایی و سوء تغذیه جامه جهانی را تهدید می‌کرده است، اما این همه‌گیری به افزایش این چالش در نقاط مختلف جهان منجر شده است؛ به طوری که حتی کشورهای پیشرفته هم از این مشکل در امان نیستند.

در چین، معلمان در حال جمع‌آوری مانده غذای بشقاب ناهار دانش‌آموزان خود هستند. این اقدام آنها به دنبال توصیه رئیس‌جمهور شی‌جین‌پینگ مبنی بر نیاز کشور به کاهش ضایعات غذایی، تا حدی برای افزایش خودکفایی مواد غذایی چینی انجام می‌شود. چندین دلیل خاص برای نگرانی چین از کمبود غذا وجود دارد: سیل و خشکسالی، تنش رو به رشد با صادرکنندگان مواد غذایی مانند ایالات متحده و استرالیا، و کشتار جمعی میلیون‌ها خوک از شیوع آنفولانزای خوک در سال گذشته، همگی تأثیرات خود را وارد کرده است به طوری‌که در ماه جولای، قیمت مواد غذایی چین ۱۳ درصد افزایش یافت.

نتیجه بروز همه‌گیری، دو برابر خواهد شد و تعداد بیشتری از افراد به دلیل سوءتغذیه و بیماری‌های مربوط به آن از ویروس کرونا می‌میرند. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی تخمین می‌زند که تعداد افرادی که در جهان با ناامنی حاد غذایی روبرو هستند تقریباً دو برابر شود و به ۲۶۵ میلیون نفر برسد. آکسفام پیش‌بینی می‌کند که ۱۲ هزار نفر هر روز از گرسنگی تا پایان سال جان خود را دست بدهند.

مناطق درگیری مانند یمن، سوریه، لبنان و کره شمالی در حال حاضر شرایط گرسنگی را تجربه می‌کنند. در آفریقا، حتی قبل از همه‌گیری، حدود ۲۰ درصد از جمعیت دچار سوءتغذیه بودند. در قاره آمریکا، کشوری مانند ونزوئلا با تشدید گرسنگی و تورم قیمت غذا روبرو است.

با این حال مشکل مذکور فقط به کشورهای فقیر یا کشورهای در حال توسعه محدود نمی‌شود. ناامنی غذایی نیز در کشورهای ثروتمند همچون ایالات متحده افزایش می‌یابد، جایی که از هر ۵ خانوار یک خانوار غذای کافی ندارند، میزان دریافت مواد غذایی از خیره‌ها و سازمان‌های مردم نهاد در طی همه گیر شدن کرونا بیشتر شده است.

در جهانی که قیمت پایین انرژی، یک منبع کلیدی در تولید مواد غذایی است، اکنون هزینه‌های غذا در حال افزایش است. به طوریکه قیمت مواد غذایی ایالات متحده در ۱۲ ماه گذشته با وجود ۳۰ درصد کاهش قیمت نفت در مدت مشابه بیش از ۴ درصد افزایش یافته است. با توجه به پیش‌بینی قیمت محصولات مانند ذرت و دانه سویا در سال جاری در آمریکا، افزایش قیمت مواد غذایی امسال دور از انتظار نیست.

با گسترش کووید ۱۹ در سراسر جهان، تولیدکنندگانی مانند روسیه و تایلند صادرات را محدود می‌کنند. کشورهای وارد کننده غذا نیز مواد غذایی خود را ذخیره می‌کنند و از طرفی برخی از تولیدکنندگان خصوصی نمی‌توانند غذایی را که تولید می‌کردند توزیع کنند.

باید یادآوری کرد که مقدار مواد غذایی تولید شده کمتر از نحوه توزیع آن است. ارتباط بین گرسنگی و ناآرامی‌های سیاسی در طول تاریخ آشکار است. امروز، این مساله می‌تواند به صورت جهانی به چالشی منجر شود که در آن نه تنها اختلافات زیادی در درآمد وجود داشته باشد، بلکه میزان اختلاف ناامنی غذا، بین گرسنگان و افراد سیر بیشتر شده است.

اثر احتمالی اقتصاد کلان بر کمبود مواد غذایی نیز واضح است. قیمت‌ها می‌تواند تورم را بالا ببرد و در دنیای امروزی و همراه با بدهی، حتی رشد ناچیز نرخ بهره می‌تواند به شکست بازایی و خروج از رکود اقتصاد بینجامد.

اما سوالی مطرح است آیا راه‌حل‌های فوری برای این مساله وجود دارد؟ فناوری‌ها می‌توانند به ایجاد کارایی بیشتر کمک کنند. بلاک‌چین یکی از این موارد است، حتی می‌تواند یکی از بهترین کاربردهای خود در ردیابی مواد غذایی در زنجیره از مزرعه تا سفره باشد که به بهبود شفافیت بازار کمک کند.

منبع:اقتصاد و کسب و کار



گفتگوی ویژه با جناب

آقای دکتر بنی‌اسدی

فعال سیاسی و وزیر

مشاور در امور اجرایی

دولت موقت

ادامه گفتگو از صفحه یک

سرانجام در جلسه‌ای که با شرکت اعضای شورای انقلاب در حضور رهبر انقلاب تشکیل می‌گردد، نظر مهندس بازرگان مورد موافقت قرار نمی‌گیرد و بنا به پیشنهاد آیت‌الله طالقانی قرار می‌شود که مجلس کوچک‌تری با حدود هفتاد نماینده برای بررسی و تصویب پیش‌نویس قانون اساسی تشکیل شود.

آیت‌الله طالقانی در یکی از سخنرانی‌های خود در تابستان ۱۳۵۸ در سعدآباد که با شرکت گسترده مردم برگزار می‌شود در مورد قانون اساسی جدید می‌گویند که با تغییر چند اصل یا ماده قانون اساسی مشروطه، مثلاً تغییر نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی مطلوب حاصل می‌گردد. همان‌طور که می‌دانید قوانین مصوب مجلس در قانون اساسی مشروطه هم باید به لحاظ عدم تعارض با احکام شرع به تایید پنج تن از مجتهدین جامع شرایط می‌رسید و از این لحاظ می‌توان آن را قانون اساسی اسلامی تلقی نمود.

در پیش‌نویس قانون اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی تدوین شده توسط دولت و مصوب شورای انقلاب که به تایید رهبر انقلاب هم رسیده بود، موازین دموکراتیک و شورای نگهبان قانون اساسی، منتخب مجلس، برای احراز اطمینان از عدم مغایرت قوانین مصوب مجلس با احکام شرع پیش‌بینی شده بود.

مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی، خلاف انتظار پیش‌نویس را مورد بررسی و تصویب قرار نداد و قانون اساسی جدیدی را مبتنی بر رهبری ولایت فقیه که به لحاظ ساختاری و محتوایی تفاوت زیادی داشت برای کشور تدوین نمود. این قانون نیز پس از ده سال در شورای بازنگری قانون اساسی مورد تجدید نظر قرار گرفت وبا تغییربیش از چهل اصل از اصول آن به تقویت اصول راهبردی آن از جمله با افزودن صفت مطلقه به ولایت فقیه به تحکیم آن پرداخت که حاصل آن قانون اساسی کنونی است.

❷ از دیدگاه شما آیا قانون اساسی نیاز به بازنگری در موارد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد؟

❧ تنها خداوند کامل مطلق است. در مورد انسان‌ها و نظام‌های اجتماعی، مطلوب آن است که کمال طلب با شند و خود را پیوسته اصلاح کنند و بهبود بخشند. در مورد قانون اساسی که ویژگی‌ها و ساختار یک نظام اجتماعی را تعریف می‌کند نیز این موضوع صادق است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت وهم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی تغییر کرد و چهل اصل آن تغییر یافت

آقای دکتر سحابی با تصویب هیات دولت، شورای عالی طرح‌های انقلاب را با عضویت کارشناسان و صاحبزنان در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی مانند حقوق، سیاست و مدیریت تشکیل دادند و بنده را هم برای عضویت در این شورا انتخاب کردند. در ابتدا پیش‌نویسی که مرحوم دکتر حسن حبیبی از قبل تدوین کرده بود مورد برسی قرار گرفت و همچنین قوانین اساسی بسیاری از کشورها برای بررسی نقاط قوت و ضعف آن‌ها جمع‌آوری شد.

مرحوم آقای اخروی که از همکاران با سابقه ایشان بود مسوول دبیرخانه شورای عالی طرح‌های انقلاب و جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات و پیشنهادات و طرح‌های بیشماری بود که روزانه روانه نخست وزیری می‌شد. آقای دکتر سحابی وقت زیادی روی مطالعه و تدوین پیش‌نویس قانون اساسی صرف می‌کردند. علاوه بر اعضای این شورا از صاحبزنان خارج از شورا هم برای تبادل نظر دعوت می‌کردند. به عنوان مثال به یاد دارم در یکی از جلسات مرحوم عزت الله سحابی و آقای ابوالحسن بنی‌صدر هم دعوت شده بودند. تا آنجا که اطلاع دارم جلساتی نیز با شرکت حقوقدان‌های تراز اول مانند مرحوم کاتوزیان در حسینییه ارشاد برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی تشکیل می‌گردید.

مرحوم مهندس بازرگان هم جریان تدوین پیش‌نویس را دنبال می‌کردند و در یکی از روزهای آخر هفته که برای پیاده‌روی به خجیر در شرق تهران رفته بودیم به من گفتند که مساله این است که جایگاه (حقوقی) رهبر انقلاب در قانون اساسی چه باید باشد. در اوایل تابستان سال ۱۳۵۸ تقریباً تمام توجه مرحوم دکتر سحابی معطوف به آماده‌کردن پیش‌نویس برای تصویب هیات دولت و شورای انقلاب و رهبر انقلاب قبل از انتخابات مجلس موسسان یا مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی بود به طوری که خودشان شخصا کارهای ویراستاری دقیق و آخرین اصلاحات را انجام می‌دادند.

بالاخره پیش‌نویس آماده شد و به تصویب هیات دولت و شورای انقلاب و با مختصر تغییراتی، از جمله شیعه بودن رئیس‌جمهور، به تصویب رهبر انقلاب آیت‌الله خمینی رسید. مرحوم مهندس بازرگان معتقد بودند که برای اعتماد هر چه بیشتر مردم و اعتبار و استحکام و همه جانبه بودن قانون اساسی و طبق حکم نخست وزیری لازم است که مجلس موسسان با شرکت گسترده مردم و نمایندگان آنان که که بالغ بر حدود سیصد نفر می‌گردید، برای بررسی همه جانبه و تصویب پیش‌نویس قانون اساسی تشکیل شود. عده‌ای نیز نیازی به مجلس موسسان نمی‌دیدند و نظرشان این بود که تعداد بسیار محدودتری پیش‌نویس را با توجه به شرایط انقلابی جامعه و تهدیدات داخلی و خارجی با سرعت بیشتر بررسی و تصویب کنند.



حکم انتصاب آقای حسین بنی اسدی به سمت وزیر مشاور در امور اجرایی

حکم

زمان: ۸ مهر ۱۳۵۸ / ۸ ذی القعدة ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: انتصاب وزیر مشاور در امور اجرایی

مخاطب: بنی اسدی، حسین

بسمه تعالی

جناب آقای مهندس حسین بنی اسدی

طبق پیشنهاد نخست وزیر دولت موقت و تصویب کلی شورای انقلاب نسبت به هیأت وزیران، جنابعالی به سمت وزیر مشاور در امور اجرایی منصوب می‌شویید. از خداوند متعال توفیق دولت موقت و جنابعالی را در ایفای وظایفی که عهده‌دار شده‌اید و جلب رضای ذات مقدسش را خواهانم.

روح الله الموسوی الخمينی



می‌کنند که اعتماد عمومی مردم را نسبت به دستگاه قضایی مخدوش می‌کنند اما تحقیق از مردم و برخی وکلا گویای این نکته است که قانونی تحت عنوان نظارت بر رفتار قضات وجود دارد ومحلی تحت عنوان دادرسی انتظامی پیگیر تخلفات قضات هستند. اما باید گفت قضات یا در اثر تخلفاتشان حقوق مردم را نادیده می‌گیرند یا در اثر تصمیمات قضایی ناصواب عامدانه یا غیرعمد که علت‌های مختلفی دارد که خارج از حوصله بحث است و بحث بر سر این موضوع است که چرا قوانین جاری نظارتی بر قضات نمی‌تواند بر رفتار قضات نظارت دقیق داشته باشد و اکثر مردم در دادرسی انتظامی از قاضی پرونده خود شکایت می‌کنند به در بسته خورده و ناامید می‌شوند و معمولاً به نفع قضات متخلف رای منع تعقیب صادر می‌شود. به نظر شما چه مولفه‌هایی زمینه‌ساز این‌گونه تخلفات هستند و چگونه باید با همین قانون جاری بر رفتار قضات نظارت داشت؟

◀ نظام قضائی باید مستقل و تحت نفوذ یا سيطرة قدرت سیاسى نباشد. علنى و شفاف بودن دادگاه‌ها و آزادی همراه با امنیت مطبوعات و رسانه‌های مستقل مانع فساد در نظام قضائی می‌شوند و مسوولین و روسا را مراقب و پاسخگو خواهد کرد.

در عمل اگر حزب منتقد و معترض باشد با محدودیت‌ها و موانع جدی مواجه می‌گردد. نمونه آن نهضت آزادی ایران است که با سوابق اسلامی و مبارزاتی ۵۸ ساله و بنیانگذارانی مانند مرحوم مهندس بازرگان و مرحوم آیت‌الله طالقانی هنوز موفق به دریافت پروانه رسمی نشده است و همیشه با محدودیت یا ممنوعیت مواجه بوده است. به نظر می‌رسد هنوز اعتقادی به حضور احزاب گسترده و قوی در صحنه سیاسی و داشتن یک جامعه مدنی توانمند وجود ندارد.

۸ این آخرین سوالی است که ضمن شرمندگی از تصدیع اوقات حضرت تعالی مطرح می‌کنیم:

آنچه که سلامت دستگاه قضایی کشور را تضمین می‌کند این است که قضات سلامت و پاکدست و با ایمان و اخلاق داشته باشیم. و قضاتی داشته باشیم که راه امیر مومنان را در پیش بگیرند. اما آنچه اکنون در دستگاه قضایی شاهد هستیم این است که مردم نسبت به قضات رضایت کافی ندارند و این به این دلیل است که تعدادی از قضات هستند که در برخورد با متهمین و مراجعین رعایت ادب و برخورد اسلامی را نمی‌کنند یا عدالت و بی‌طرفی در قضاوت را در نظر نمی‌گیرند یا با یکی از اصحاب دعوی ارتباطات پنهانی برقرار

مشکل این است که همین قوانین نیز به درست و بدون اعمال نفوذ اجرا نمی‌شوند. در صورت شفافیت امور و جریان آزاد اطلاعات، سو استفاده و یا اعمال نفوذ و فساد بسیار کاهش خواهد یافت.

۷ در کشور ما مطابق با اصل ۲۶ قانون اساسی احزاب و انجمن‌ها به شرطی که مخل آزادی و استقلال کشور نباشند و موازین اسلامی را رعایت کنند آزادند. در اینجا این سوال مطرح است که بعد از گذشت ۴۰ سال از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هنوز قانون مطلوبی که جراثم سیاسی و مخل امنیت ملی را از هم تفکیک کند وجود ندارد و بسیاری از فعالان سیاسی به اتهاماتی مانند اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام مبتلا به مجازات‌های سنگینی می‌شوند. اصل ۲۶ از طرفی احزاب را آزاد گذاشته و از دیگر سو آنها را محدود به رعایت موازین اسلامی وپرهیز از اخلا در امنیت می‌نماید. این در صورتیست که فعالیت سیاسی قاعدا می‌تواند هزینه‌هایی را به دنبال داشته باشد مثل شرکت در تظاهرات خیابانی که احتمال درگیری شرکت‌کنندگان با نیروهای انتظامی وجود دارد که در این صورت رویه قضایی طوری است که بازداشت شدگان مخل امنیت تلقی می‌شوند یا از دیگر سو هرگونه انتقاد از عملکرد دولت و سخنرانی و طرح موضوعات سیاسی که نقد حاکمیت را در بر داشته باشد قاعدا فعالیت سیاسی است که متاسفانه حساسیت نیروهای امنیتی را برخواهد انگیزخت و موضوع بصورت امنیتی برخورد می‌شود و مرتکب به مجازات سنگین محکوم می‌شود. به نظر شما چاره چیست؟ ایراد در اصل ۲۶ است یا در اجرا مشکل وجود دارد که ضابطین قضایی در اجرای این اصل دچار تفاسیر ناصحیح می‌شوند یا اینکه قانون احزاب وقانون جرم سیاسی مطلوبی در این زمینه نداریم؟ لطفاً مبسوط توضیح دهید.

◀ مشکل اصلی احزاب فقدان قانون نیست. قانون اساسی احزاب را آزاد اعلام می‌دارد و قانون احزاب نیز مشکل زیادی ندارد. ولی

خارج از نظام قضائی و در نظام‌های اقتصادی و اخلاقی و در فقر، فساد، تبعیض و در محرومیت یا عدم برخورداری کافی مردم از حقوق اساسی پیش‌بینی شده در قانون اساسی ریشه دارد. ۵ در اجرای اصل ۶ و۷ قانون اساسی که در واقع سرنوشت کشور توسط این دو اصل به دست مردم سپرده می‌شود و اصول حساسی هستند. آیا قوانین وضع شده در خصوص این دو اصل که ناظر به انتخابات وشوراهاست را مطلوب ارزیابی می‌کنید؟

۶ در غیر این‌صورت راهکار حضرت‌تعالی در این خصوص چیست؟

در اجرای فصل سوم قانون مجازات اسلامی وضع شده‌است. آیا این قانون توانسته تضمین‌کننده روح قانون اساسی در کشور ودر میان طبقات جامعه باشد. به نظر شما این قانون در اجرا اشکالاتی ندارد که باعث نارضایتی مردم از امور قضایی شود؟ اگر دارای اشکال است راهکار چیست؟

استاد محترم می‌دانیم که اجرای اصل ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی که مقرر می‌دارد اموال نامشروع در اختیار دولت قرار بگیرد و در همین راستا باندهای بزرگی در داخل دستگاه‌های اجرائی تشکیل شده است که با سو استفاده از اختیاراتی که همین دوبند از اصول قانون اساسی در اختیارشان قرار داده از موقوفات و اموال و املاکی که بواسطه احکام قضایی واحدهای ستادی اصل ۴۹ در قوه قضائیه دریافت می‌کنند اموال و املاک را تلف می‌کنند. یا اینکه املاکی که در اوایل انقلاب توسط مردم تصرف شده از ید و تصرف مردم با اعمال نفوذ و زورگویی خارج می‌کنند و فریاد مردم نیز به جایی نمی‌رسد و نیز اکثر دعوای مطروحه توسط مردم به طرفیت دستگاه‌های اجرائی مردود می‌شود و شنیده نمی‌شود. به نظر شما ایراد کار در کجاست؟ آیا آیین نامه‌های اجرائی دارای اشکالند یا قوائد حقوقی مطلوبی در این زمینه نداریم که جلوی سو استفاده اصحاب قدرت را بگیرد؟

◀ این سوالات حقوقی است. پاسخ بنده غیرحقوقی است. ممکن است و با احتمال زیاد این قوانین دارای نواقصی هستند، ولی همان‌طور که گفته‌اند قانون بد بهتر از بی‌قانونی است.

این قوانین برای اولین بار است که در تاریخ بشر به این صورت اجرا می‌شود و از این رو تجربه جدیدی در تاریخ است. این تجربه لزوم اصلاحات را در سال ۱۳۶۸ به وضوح نشان داد. و همان طوری که در فضل چهاردهم قانون اساسی پیش‌بینی شده است شورای بازنگری قانون اساسی می‌تواند به نحوی که در قانون آمده است اصلاحات مورد نیاز جامعه را نیز در آینده در آن به عمل آورد.

۲ آنچه مسلم است در اجرای اصل سوم و چهارم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی موظف است برای اجرای بند ۱ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و بخصوص بند ۱۴ از اصل سوم قوانین جزائی و حقوقی مطلوبی را برای پاسخ به نیازهای حقوقی کشور ودر راستای اجرای بندهای مذکور ارائه دهد؟

◀ بندهائی که از اصل سوم به آنها اشاره کرده‌اید مربوط به تحقق حقوق اساسی انسان می‌گردد. شکاف بین هدف‌هایی که در اصل سوم قانون اساسی و واقعیت وجود دارد بر کسی پوشیده نیست. اصلاحات ساختاری و قوانینی که تحقق این اهداف را تسهیل و تضمین کند از نیازهای مهم بشمار می‌آید.

۴ به عنوان مثال می‌توان گفت که قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی در این ارتباط سال‌هاست در کشور پیاده‌سازی شده و مردم برای رفع نیازهای قضایی و حقوقی خود در راهرو دادگاه‌ها و کلانتری‌ها پرسه می‌زنند و بسیاری از مردم نیز از این روند ناراضی هستند. به نظر شما قوانین بنیادین مانند آنچه که ذکر کردیم به طور شکلی ایراد دارند یا نه مشکل از جای دیگری نشات می‌گیرد؟

◀ بنده حقوقدان نیستم تا پاسخ مناسبی عرض کنم. ولی تا آنجا که اطلاع دارم بعضی از این قوانین مانند قانون مدنی برای نخستین بار حدود صدسال پیش تدوین شدند و برای شرایط امروز جامعه به طور کامل بازنگری وبروز رسانی نشده‌اند. به نظر بنده عامل مهم‌تر در

به اطلاع مخاطبان نشریه می‌رساند از آنجا که طرح این پرسش‌ها از دکتر بنی اسدی، از سایر مسئولان و صاحب‌نظران نیز انجام گردیده است که یکی از دغدغه‌های اصلی نظام و مردم هم می‌باشد. لذا در صورت پاسخ در شماره‌های بعد نشریه منتشر خواهد گردید.

سرانجام این اعتراضات باعث شد که ناصرالدین شاه آن را قیل از آن که به اجرا در آید ملغی اعلام کند و صدر اعظم خود میرزا حسین خان سپهسالار را که عاقد این قرارداد بود، برکنار نماید.

رویتر که دست خود را از خوان نعمتی که بدست آورده بود کوتاه دید دست از کار نکشید و این موضوع را به مدت هفده سال دنبال کردو ادعای خسارت داشت زیرا گذشته از مخارج هدر رفته، پنجاه هزار لیره به صدر اعظم میرزا حسین خان سپهسالار و پنجاه هزار لیره تنصیفاً به مشیرالدوله، وزیر خارجه (برادر سپهسالار) و ملکم خان سفیر ایران در لندن و مبالغی هم به دیگران داده بود.

عاقبت با مداخله «ولف» وزیر مختار انگلیس و تصویب شورای وزیران ایران و موافقت شاه و اتابک امتیاز بانک و معادن ایران به مدت ۶۰ سال به پسر رویتر داده شد؛ این بانک بعدها به بانک شاهنشاهی ایران تبدیل شد و بعداً بانک شاهنشاهی بریتانیا امتیاز چاپ اسکناس، اجازه توسعه شعبه‌ها در ایالات و حق جمع‌آوری عوارض بیشتر جاده‌های جنوبی را نیز به دست آورد.

روس‌ها اولین کشور خارجی بودند که به این قرارداد اعتراض کردند و خواستار لغو آن شدند زیرا ناراحت بودند که رقیب انگلیسی آنها توانسته بود غنیمت بزرگی را به صورت انحصاری به دست آورد. در داخل ایران نیز مخالفت‌های شدیدی با امتیاز رویتر شد که رهبری جناحی از مخالفین واقعی را که بدون هیچ‌گونه منافع شخصی به مخالفت برخاسته بودند مجتهد آگاه و روحانی مبارز مرحوم حاج ملا علی کنی به عهده داشت. او در دو مسأله مهم سیاسی دخالت مستقیم داشت، یکی در مورد فراماسونری، و دیگری با امتیاز رویتر شد که رهبری جناحی از مخالفین واقعی را که بدون هیچ‌گونه منافع شخصی به مخالفت برخاسته بودند مجتهد آگاه و روحانی مبارز مرحوم حاج ملا علی کنی به عهده داشت. او در دو مسأله مهم سیاسی دخالت مستقیم داشت، یکی در مورد فراماسونری، و دیگری با امتیاز رویتر که میرزا ملکم خان به وجود آورده بود به شدت به مخالفت برخاست و تا شاه دستور انحلال و بر چیده شدن آن را صادر ننمود از پای نشست و دیگری همین امتیاز رویتر که تمام منابع درآمد ایران را به کمپانی انگلیس واگذار کرده بود. وی به همراه مردم با اعتراضات همه جانبه بر این امتیاز که آن را بر خلاف اسلام و مصالح اسلام شناخته بود و معتقد بود این امتیاز موجب از دست رفتن استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و تبدیل شدن ایران به مستعمره انگلستان بدون جنگ و استقامت می‌باشد.

ایران قابل بهره برداری بود بجز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، و نیز بهره برداری از جنگ‌ها و احداث قنات و کانال‌های آبیاری اراضی و همچنین احداث راه‌آهن و تراموا، ایجاد جاده‌ها، خطوط تلگراف و کارخانه‌های صنعتی به مدت هفتاد سال و اجازه تمام گمرکات و صدور انحصاری هر گونه محصولات به ایران را به مدت بیست و پنج سال، رویتر انگلیسی با پرداخت ۴۰۰۰۰ پوند و ۶۰ درصد سود حاصل از این امتیاز را خریداری کرد.

چنین امتیازی چنان بی‌سابقه بود که بعضی آن را بخشی بزرگ دانسته و پاره‌ای آن را فروش یک مملکت تعبیر کرده‌اند، چرا که به موجب این امتیاز ایران عملاً استقلال سیاسی – اقتصادی خود را از دست می‌داد و بدون جنگ و خونریزی تبدیل به مستعمره انگلستان می‌شد. به نوشته کرزن «این قرار داد در برگیرنده تسلیم کامل همه منابع یک دولت به خارجی هاست که مانند آن هرگز به وهم و گمان احدی در نیامده و در تاریخ سابقه نداشته است.»

علل خارجی و داخلی انحلال امتیاز رویتر

امتیاز رویتر هست، این امتیاز از ننگین‌ترین امتیازاتی است که ممکن است از سوی یک کشور به کشور دیگری داده شود، و خود سرآغاز فصل جدیدی از کسب امتیازات اقتصادی و تجاری بود و به دنبال آن امتیازات دیگری به روسیه و انگلستان واگذار شد که هر کدام از آنها خسارت‌های زیادی را برای ایران به وجود آورد.

زمان انعقاد قرارداد رویتر

این امتیاز که در زمان ناصرالدین شاه و با تلاش صدراعظم میرزا حسین‌خان سپهسالار و دلالی میرزا ملکم خان میان دولت ایران با یک یهودی انگلیس بنام «بارون جولیس دو رویتر (وی بنیانگذار خبرگذاری است، و خبرگذاری انگلیسی رویتر نیز به نام او نام گذاری شده است) در سال ۱۲۵۰ ش (۱۲۸۹ هـ ق – و ۱۸۷۲ م) بسته شد.

مفاد امتیاز رویتر

به موجب این توافقنامه که به صورت قطعی و انحصاری بود، بهره برداری و استخراج کلیه معادن ایران از جمله معادن ذغال سنگ، آهن، مس، سرب، نفت و هر معدن دیگری که در



محمد محمدی

رقابت بیگانگان در ایران از اواخر دوره صفویه کم و بیش وجود داشت، اما به دنبال انقلاب کبیر فرانسه و تحولات مهم اروپا در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم این رقابت وارد مرحله جدیدی شد. هر چند این رقابت‌ها به حضور چند کشور قدرتمند آن زمان در ایران ادامه داشت ولی رقابت دو کشور استعمارگر روس و انگلیس در جنوب ایران ملموس‌تر وشدیدتر بود، روس و انگلیس در نتیجه رقابت در ایران، توانستند امتیازات اقتصادی، سیاسی و نظامی زیادی از ایران کسب کنند؛ یکی از اولین و مشهورترین امتیازاتی که به انگلستان داده شد

دور دور کردن چه عواقبی در پی دارد؟

لیلا اسدی خرم‌آبادی



اولین اثری که می‌توان برای این پدیده نوظهور در نظر گرفت جا افتادن یک فرهنگ نادرست در بین اقشار جامعه است. با توجه به اینکه عملکرد یک جامعه در فرهنگ آن ریشه دارد، رخنه کردن عادات اشتباه عاملی مخرب برای فرهنگ به حساب می‌آید. نکته‌ای دیگر که نباید از آن غافل شد عادت‌های عجیب مرسوم در بین این قشر است. استفاده از الفاظ رکیک، سیگار کشیدن و ... از عواملی هستند که بنیادهای اجتماعی یک جامعه را تهدید می‌کند. یکی از عوامل دیگری که دور دور را به معضل اجتماعی تبدیل کرده است، تبدیل شدن دور دور به عنوان نمادی از زندگی لاکچری است به طوری که بسیاری همواره آن را مربوط به افراد دارا و ثروتمند می‌دانند، این امر موجب شده است به بهانه فخر فروشی به دور دور بیش از قبل بها داده شود که موجب دگرگونی معیارهای منزلت اجتماعی شده است.

یکی دیگر از مضرات دور دور ایجاد ترافیک‌های طولانی است که علاوه بر کلافگی رانندگان، برای عبور و مرورهای اضطراری مانند آمبولانس و آتشنشانی نیز ایجاد مشکل و دردسر می‌کند. سرو صدای ناشی از این حرکت نیز غیرقابل انکار است و به حجم آلودگی‌های صوتی محیط می‌افزاید. علاوه بر مسائل ذکر شده عدم وجود امنیت در دور دور علاوه بر اینکه جان ماشین‌سواران را تهدید می‌کند خطری جدی برای سایر رانندگان و پیاده‌ها به حساب می‌آید زیرا بسیاری با هدف مسابقه اقدام به این عمل می‌کنند.

مهمترین چالش‌های اجتماعی ما چیست؟

سوالاتی که مطرح شد ساده بود و کوتاه. به نظر شما کدام یک از مسائل و چالش‌های اجتماعی کشور را می‌توان به عنوان مهم‌ترین چالش برشمرد و برای آن چه راهکاری را پیشنهاد می‌کنید؟

شاید در ابتدا به نظر برسد پاسخ این سوال واضح و ساده است، اما به راستی تمام چالش‌هایی که همه ما می‌شناسیم چگونه برطرف می‌شوند و آیا مردم و جامعه ما ظرفیت و گنجایش مواجهه با آن را دارند؟ آیا برای حل یک مشکل فرهنگ‌سازی صورت می‌گیرد و آیا می‌توان به جامعه برای حل مشکلاتش اطمینان کرد؟ این سوالاتی بود که از جامعه‌شناسان و اساتید پرسیدیم، اما شما هم می‌توانید به آن پاسخ دهید. به نظر شما مهم‌ترین چالش اجتماعی کشور ما چیست؟

مقده ۸۰۷



محافظه‌کاری و خاستگاه آن



برای پاسخ به این سؤال بهتر است بگوییم که فلسفه سیاسی به شکلی بیان شود که در آن تغییرات و دگرگونی‌ها رد شوند و اثبات مورد تأیید قرار گیرد. به بیان دیگر ثبات بهتر از تغییر است و مخالفت هرگونه تغییر خود را نشان می‌دهد، اگر به دنبال پیدایش رگه‌های محافظه‌کاری باشیم این رگه‌ها را می‌توان در اندیشه‌های پارمینداس ثبات در یونان باستان پیدا کرد. که معتقد به اصل ثبات در همه چیز بود و تغییرات را رد می‌کرد. یعنی اینکه در اصل طبیعت ثبات وجود دارد و تغییرات ناشی از حواس انسان‌ها است. پس می‌توان گفت که فیلسوفانی که اندیشه ثبات را مطرح می‌کنند به سمت محافظه‌کاری گرایش دارند. در این نگرش هرچه یک چیز سابقه بیشتر باشد بهتر و با ارزش‌تر است.

لینکن آلیستون معتقد است که محافظه‌کاری مدرن اروپایی میان سال‌های ۱۷۵۰-۱۸۵۰ رخ داد. در پاسخ به تحولات سریعی بود که جوامع اروپایی را تکان داد.

عده‌ای معتقدند که زادگاه محافظه‌کاری انگلستان در قرن‌های ۱۶ تا ۱۹ است. که جدال میان حق الهی پادشاه و حق الهی کلیسا که در نهایت در سال ۱۵۳۴ با تشکیل مجلسی و تصویب ۵ قانون کلیسای انگلیس از روم جدا شد و امور مذهبی در تحت فرمان پادشاه و مدیریت آن به اسقف (کانتربری) سپرده شد و مخالفت (اسقف راجستر و توماس مور) به مرگ محکوم شدند اما در سال‌های بعد گروه‌هایی پیدا شدند که در مخالفت با حق الهی پادشاهان برآمدند که در اروپا - فرانسه و انگلیس - به وجود آمدند. اما این کشمکش‌ها در انگلستان آن زمان بیشتر مشاهده می‌شد زمانی که کرامول

در سال ۱۶۴۹ توانست حکومت پادشاهی را از میان بردارد و حکومت جمهوری اعلام کند طرفداران کرامول طیف چپ را تشکیل می‌دادند و طرفداران پادشاهی طیف راست بودند که بعد از به قدرت رسیدن کرامول عیناً از یکدیگر جدا شدند جناح چپ از طبقه متوسط پایین بودند و معتقد به این که مالکیت را نباید پایه حقوق سیاسی قرار داد و جناح راست طبقه اشراف زمین‌دار بودند که می‌گفتند قدرت سیاسی بر پایه مالکیت اما اصلاحات دموکراتیک نیز باید به وجود آید که طبقه زمین‌داران به محافظه‌کاری و طبقه کارگران یا چپ‌ها به سمت جمهوری خواهی رو می‌آورند اما در سال ۱۶۶۰ زمانی که چارلز دوم به پادشاهی رسید.

در آن زمان آنتونی اشرلی کوپر با عنوان شافتمسوری یعنی همان کسی که ژان لاک را مورد حمایت قرار داد حزبی را تأسیس کرد که به ویگ (whig) معروف شد. و حزبی در مقابله با آن شکل گرفت که حزب توری Tory نام داشت. حزب ویگ هواداران پادشاهی بودند و توری در مخالفت آن بود اما این احزاب در سال ۱۸۳۲ تغییر گرایش دادند و حزب whig به عنوان حزب لیبرال و حزب Tory به عنوان حزب محافظه‌کار تبدیل شد.

در زمان‌های بعدی که دنیای غرب شاهد تحولات و انقلاب‌های فرانسه و آمریکا بود، همچنین افتادن قدرت به دست پارلمان در انگلستان باعث شد که حزب کوری نظریاتی را مطرح کند و یک اثر عمده در همین دوران نوشته شد که نویسنده آن عضو حزب ویگ بود او با بررسی انقلاب فرانسه بیان داشت که آزادی جوانمردانه اخلاقی نظم یافته خوب است اما آزادی انقلاب فرانسه تصویر مسخ شده‌ای از آزادی است و نهایتاً به یک حکومت استبدادی مبتذل می‌انجامد و معتقد بود که جهان هستی

منظم است و نظام جهان نظام طبیعت است و طبق قانونی که خداوند مقرر کرده است عمل می‌کند و ثبات و قرار ناشی از آن را مورد توجه قرار داد. او کسی جز ادموندبرک ایرلندی نبود.

ادموند برک معتقد بود که عقل سیاسی در کوتاه مدت (آنچه که در عصر روشنگری از سوی متفکرین بیان می‌شد) ناممکن است به وجود آید بلکه در طول تاریخ بشر و با گذشت زمان به دست می‌آید و قانون‌های اخلاقی در زندگی اجتماعی از راه این عقل و نهادهایی که به وجود آمده‌اند به دست می‌آید. او جامعه مدنی را تحمیل کننده جنگ و باعث ضعف انسان‌ها و جوامع انسانی می‌دانست و انسان از نظر او موجودی عاقل ولی در اسارت عواطف، احساسات و تمایلات است. آزادی را شریف می‌دانست اما تا آنجا که به زبان نظم حاکم عمل نکند.

از سال‌های ۱۷۵۰ به بعد به ویژه تا سال ۱۸۷۵ تحولات مهمی در انگلستان روی داد هنگامی که انگلستان در حال تبدیل شدن به جامعه‌ای صنعتی بود طبقه متوسط صنعتی سرمایه دار جدید به عنوان نیروی پشت پرده خواهان افزایش سهم خود در قدرت شد به صورتی که این افزایش سهم در برابر منافع طبقات زمیندار سرمایه دار قدیم قرار می‌گرفت. در آن زمان نظام انتخاباتی در انگلستان به خاطر حق رأی محدود و شیوه تعیین حوزه‌های انتخاباتی کارایی لازم را نداشت که باعث شد تا انگلستان در دهه ۱۸۳۰ به آستانه انقلاب کشیده شود ولی در سال ۱۸۳۲ قانون اصلاح انتخابات تأیید شد طبقه نوظهور سرمایه دار صنعتی پایگاهی محکم در قدرت پیدا کرد. محافظه‌کاری امروزی را می‌توان دنباله‌ای محافظه کاری که در انگلستان - نمایندگی حزب توری به حساب آورد.



محافظه‌کاری دارای ویژگی‌هایی است از جمله مخالفت با تغییرات سریع و آرمانی، مقدس شمردن مالکیت، حفظ سنت‌ها و مذهب به شیوه‌ای مقدس، قبول نابرابری‌ها، نگرش پدرسالارانه اما میزان بروز محافظه‌کاری در دوران مختلف متفاوت است و به یک صورت پدیدار نمی‌شود که در درجه بالای آن به صورت ثبات‌گرایی مطلق و دیرینه پرستی است و حد کم آن که واکنش‌های عقلایی ثبات‌گرا و دیرینه محور بوده است نمود پیدا کرده است.

محافظه‌کاری بیشتر به صورت ایدئولوژی دیده نمی‌شود، بلکه بیشتر به صورت نوعی مکتب رفتاری بروز می‌کند. واقع‌گرایان لیبرال – سلطنت‌طلبان روحانی – واپس‌گرایان دل‌تنگ (نوستالژیک) واقع‌گرایان غیراصولی از انواع محافظه‌کاری هستند و در برابر طرح‌هایی که مطرح می‌شود واکنش‌های از خود نشان می‌دهند.

مکتب مارکسیسم یکی از مهم‌ترین مکتب‌هایی است که تمام محافظه‌کاران در برابر آن صف‌آرایی کردند چرا که مارکسیسم اساس جامعه را در تغییرات می‌داند و سیر جهان را نه ثبات که دیالکتیک تعریف می‌نماید و وقوع انقلاب برای استمرار تاریخ بشر در دوره‌های مختلف را امری طبیعی و لازم می‌شمارد. در سال‌های شروع قرن ۲۰ یا در نیمه اول محافظه‌کاری با نگرش سلطنت طلبانه روحانی همراه شد و حتی محافظه‌کاری به جنبش‌های فاشیستی و ناسیونال سوسیالیست نیز رفت که دیگر به صورت کلاسیک مورد شناسایی نبود به صورتی که در سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵ یک گروه محافظه‌کار در پارلمان اروپا بود که در آنها دانمارکی‌ها و انگلیسی‌ها عضو بودند.

«اگر آدموند برک را نمونه‌ای برای محافظه‌کاری کلاسیک بدانیم چرخ اورول نمونه قرن ۲۰ محافظه‌کاری محسوب می‌شود. اما اورول از محافظه‌کاری سیاسی روی گردان بود.»

قرن ۱۹ محافظه‌کاری مشغول پدیده‌ی با نام گسترش حقوق لیبرال بود که محافظه‌کاری گاهی با موفقیت و گاهی با شکست در آن همراه بود.

اصول محافظه‌کاری

به طور کل اصول محافظه‌کاری از اندیشه‌های برک متأثر بوده است و اندیشه‌های برک اصول محافظه‌کاری را بوجود آورده بود که در بستر آن نومحافظه‌کاری نیز به وجود آمد.

۱ بدبینی نسبت به عقل برآمده از عصر روشنگری: محافظه‌کاران نسبت به اندیشه‌های صرفاً عقلانی که با تأکید بر آموزه‌های ذهنی جون آزادی، دموکراسی عمومی، برابری جمعی و ... ناشی از تحولات عصر روشنگری خواستار تغییر و تحول در جامعه و مناسبات اجتماع بود به دلیل آن که آنان سنت‌های جامعه را محصول حرکت تدریجی و ناشی از عقل کلی بشر در دوران‌های مختلف می‌دانستند و نسبت به تحقق آن شعارها و تغییرات رادیکالی همچون انقلاب بدبین بودند.

۲ پیوند نزدیک میان محافظه‌کاری و مذهب، معتقدانه که یک غایت الهی در زندگی انسان

مطرح است و اهداف انسان‌ها ناشی از تکالیف این غایت الهی است. نیروی الهی وجود دارد که عقل از درک آن عاجز است. برک می‌گفت انسان موجودی مذهبی است و معتقد بود که انقلاب فرانسه اوج توهم انسان در عصر روشنگری است و مظهر انتقام خدا است. به صورتی که امروزه اندیشه‌های محافظه‌کارانی در قالب جنبش‌های مذهبی تجلی یافته است. ۳ انسان‌ها طبعاً با یکدیگر متفاوت هستند. یعنی اینکه انسان‌ها از لحاظ اقتصادی قدرت اجتماعی و... تفاوت دارند و این تفاوت‌ها طبیعی است و کوشش‌هایی که صورت گیرد تا این تفاوت‌ها را از میان بردارد به شکست می‌انجامد چون نابرابری ریشه در طبع انسان‌ها دارد. و این نابرابری باعث ایجاد انگیزه کار و تلاش در انسان‌ها می‌شود.

این نگرش‌ها نسبت به انسان و اجتماع باعث پیامدهایی چون:

- تقسیم جامعه به نخبگان و توده‌های مردم
- ضرورت پذیرش سلسله مراتب اجتماعی و رهبری
- فقدان اعتماد به توانایی عقلی، صلاحیت اخلاقی عامدی و کفایت سیاسی مردم

هدایت کنند در نتیجه دموکراسی نظامی نامطلوب است و باید به حکم اضطرار این نظام را پذیرفت.

محافظه‌کاری با رمانتیسم، ناسیونالیسم، مذهب گرایی، فاشیسم آمیزش دارد. اما از تحولات عمده فکری از دموکراسی لیبرالیسم تا آنارشیسم و سوسیالیسم در تضاد بوده است محافظه‌کاری از مصدر Conservation به دنبال محافظت سیاسی یا عقیده‌ای که در پی حفظ وجود هر چیز می‌آید.

همچنان که جهان در حال تغییر بوده است (تفکرات انسان‌ها) ایدئولوژی محافظه‌کاری نیز تغییراتی کرده است که در گذر از زمان سه مرحله را به طور کل گذرانده است که به صورت تاریخی چنین بیان نمود:

مرحله اول: محافظه‌کاری لیبرال: که در دوران اوج لیبرالیسم رفته رفته از تأکید بر مالکیت اراضی و پدرسالاری اجتماعی و سیاسی کم کرد و اصول اقتصادی لیبرالیسم را پذیرفت. در این مرحله محافظه‌کاری بر مبنای اندیشه‌های برک شکل گرفت.

مرحله دوم: محافظه‌کاری پدرسالارانه: که با پیدا شدن دولت‌های مداخله گر در بحران

اصلی بحران اقتصادی همان مداخلات دولت در اقتصاد بود. که باعث شد تا انگیزه‌های سرمایه‌گذاری کاهش یابد و نقش اتحادیه‌های کارگری زیاد شود پس نقش اساسی دولت‌ها باید حفظ ارزش پول باشد و نظارت برای جلوگیری از تورم باشد.

در اندیشه محافظه‌کاران نو خود گردانی، خصوصی‌سازی، دولت کوچک یا حداقل، و ... مدنظر است و معتقدانه که حضور دولت در عرصه‌ها از نقش مردم می‌کاهد و آزادی آنها را محدود می‌کند شروع این نگرش در آمریکا با روی کار آمدن دولت ریگان و در انگلیس با نخست وزیر تاچر همراه بود که تأثیر تاچر تا حدی است که بعدها این روند با نام تاچریسم شناخته می‌شود. البته تعبیر زیادی از تاچریسم صورت گرفته است اما درصدر همه آنها اقدامات ضد تنظیمی و خصوصی‌سازی همراه با ویژگی اقتدارگرایانه.

پول گرایی که بر ضرورت دقیق عرضه پول برای از بین بردن تورم تأکید می‌کند به عنوان یک اصل سیاست گذاری عملی و محو سوسیالیسم به عنوان یک اصل عقیدتی به کار برده شد. دولت رفاهی نیز یکی از دیگر اهداف عمده‌ای



می‌باشد که راست نو مورد توجه قرار داده است. پس سال‌ها و دهه‌های پایانی قرن ۲۰ سال‌هایی است که لیبرالیسم و محافظه‌کاری با یکدیگر پیوند خوردند و این پیوند راست نو را به وجود آورده است. راست نو رادیکالیسمی دست راستی است که اصول خود را از لیبرالیسم و محافظه‌کاری به دست آورده است.

راست نو از لحاظ اقتصادی لیبرال است یعنی از آزادی اقتصاد، کاهش مالیات، بازار آزاد دولت محدود تأکید می‌کند ولی از نظر اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی محافظه‌کار است و از حفظ نابرابری‌های طبیعی، جلوگیری از حقوق اجتماعی شهروندان، دولت نیرومند، اصول مذهبی، خانواده به منزله بنیاد جامعه و تعقیف اتحادیه‌های کارگری دفاع می‌کند از لحاظ اجتماعی با کار زنان، آزادی‌های جنسی، جنبش فمینیسم مخالف است.

راست نو هنگامی که مداخله اقتصادی دولت را مغایر با آزادی فردی می‌داند لیبرالیسم است و هنگامی که با گفتمان برابری طلب

اقتصادی در بازار به سمت اصول پدرسالاری بازگشت و از دولت‌های فراگیر حمایت کرد. هارولد مک میلان با کتابی به نام (راه میانه) در سال ۱۹۳۸ اصول محافظه‌کاری را با اندیشه مداخله دولت در اقتصاد درآمیخت.

مرحله سوم: همراه با بحران که ناشی از مداخله دولت در اصول اقتصادی پیش آمد به اصول اقتصاد آزاد بازگشت و با ترکیب نئولیبرالیسم آمیزه‌ای جدید از راست نو را پدید آورد.

با بروز و رکود تورم در دهه ۱۹۷۰م در نظریات کینز تردید به وجود آمد که تاچریسم در انگلستان مظهر کامل این نظریات جدید بود. که محافظه‌کاری نو با لیبرالیسم نو پیوند خود و نوکانت‌ها (نو محافظه‌کاران) به وجود آمدند. نظریات این عده بر این بود که بازار آزاد می‌تواند سودمندی اقتصادی و سیاسی را در پی داشته باشد. که اصول عمده این نظریات را در آثار فردریش هایک، میلتون فریدمن می‌توان یافت. تأکید زیاد محافظه‌کاران نو بر بازار آزاد و دولت محدود است آنها معتقدند که علت

مواجه می‌شود محافظه‌کار می‌شود. به طور کل در راست نو حکومت از لحاظ دخالت اقتصادی کوچک است ولی از لحاظ سیاسی، به نفع تأمین نظم و امنیت تقویت می‌شود. جنبش‌های محافظه‌کاری نو در آمریکا پس از جنگ جهانی دوم پدید آمد و با اندیشه‌های لیبرال همراه شد که این جنبش از دولت‌های ایالتی در برابر دولت فدرال و از بازار آزاد در برابر دولت رفاهی حمایت کرده است.

شاید بتوان گفت که نو محافظه‌کاری در آمریکا در اوایل دهه ۳۰ یعنی زمانی که روزولت به ریاست جمهوری آمریکا رسید بسترهای فکری آن در مواجه با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی جهت مبارزه با بحران دهه ۲۰ شکل گرفت و در دولت ریگان شاهد حضور این جریان در صحنه سیاسی و در نهایت در زمان ریاست جمهوری بوش پسر راست نو (گرایش ایدئولوژیکی آن) به اوج قدرت خود رسید.

اما یکی از ریشه‌های فلسفی این جریان را باید در دیدگاه‌های فیلسوف محافظه‌کار آلمانی با نام (لئوس اشتراوس) جستجو کرد که دارای اندیشه‌های محافظه‌کارانه‌ای بود و در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۸ استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو بود.

لئواشتراوسی را یکی از بزرگترین منتقدان مدرنیه و اندیشه و عقل مدرن دانسته‌اند که طرفدار حقایق و ارزش‌های اخلاقی و سیاسی مطلق بود که فلسفه سیاسی محافظه‌کارانه را عرضه کرد.

او به انتقاد از نسبی‌گرایی پرداخت و گفت با وجود نسبی گرایی نمی‌توان از عدالت و عقلانیت در جامعه انسانی سخن گفت. و اینکه انسان امروز با فاصله گرفتن از مطلق به طرف نهیلیسم و نسبی‌گرایی رفته است. او با روشی فرا تاریخی و نقد نسبی‌گرایی، تجربه‌گرایی، پوزیتیویسم، فلسفه سیاسی مدرن، علوم اجتماعی جدید و جدای علم از ارزش‌ها پرداخت.

حسین بشریه اندیشه‌های اشتراوس را در چند چیز مشخص بیان کرده از جمله: دفاع از فلسفه و حقیقت مطلق، جامعه‌شناسی حقیقت، نقد فلسفه سیاسی مدرن، نقد علوم اجتماعی مدرن، نقد نسبی‌گرایی، جامعه‌شناسی، معرفت و پوزیتیویسم و تاریخ‌گرایی.

شاگردان اشتراوس که پس از مرگ او در سال ۱۹۷۳ حلقه‌ای اشتراوسی تشکیل دادند و امروز از بانفوذترین اساتید کنونی علوم سیاسی در آمریکا به شمار می‌روند. نو محافظه‌کاران در آمریکا را می‌توان رئالیستی‌ترین شاگردان اشتراوس نامید آنها به دنبال ایجاد دموکراسی قدرت مند آمریکایی، ملیت آمریکایی، اسطوره مذهب، قدرت نظامی و سلطه امنیتی هستند. محافظه‌کاران به حزب خاصی تعلق ندارند – اگرچه بیشتر در قالب جمهوری خواه نمود یافته‌اند ولی در هر دو حزب آمریکا می‌توان آنها را مشاهده کرد. این افراد به صورت عمده در جریان‌های روشنفکری ضد شوروی در دهه ۷۰ م آمریکا ریشه دارند و از گروه طرفداران اسرائیل هستند که نظریات خود را از مؤسساتی چون «مؤسسه واشنگتن برای مطالعات خاورمیانه نزدیک» می‌گیرند.

منبع: سایت افکار نو

دیانت؛ همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می‌دهد... آنها را از آن راه می برد که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است.» (تفسیر سوره حمد، صص: ۲۴۶-۲۴۷)

آشنایی با افلاطون و ارسطو

پدران علم سیاست

✍ محمد جواد فرمانی



آریستوکلس به خاطر اینکه سینه‌های ستبری داشت به پلاتو معروف شد و بعدها در برگردان نام او به عربی نامش به افلاطون برگردانده شد. پس بدین خاطر است که ما آریستوکلوس را با نام افلاطون می‌شناسیم. او در ۴۲۷ قبل از میلاد در آنگینا در آتن متولد شد و چیزی حدود ۸۰ سال بعد در سال ۳۴۷ (ق م) در گذشت. او در خانواده‌ای اشرافی متولد شد که بیشتر موافق سنت‌ها بودند. او در کودکی پدرش را از دست داد. اما عاملی که باعث شد تا او به یکباره دچار تحول شود اعدام سقراط بود. سقراط در نظر او مردی وارسته و دانشمند بود که توسط نظام دموکراسی نابود شد.

افلاطون آتن را به قصد آموختن ترک کرد و این اصل را که دانش فضیلت مورد تأکید قرار داد. بعد از سال‌ها به آتن باز گشت و تا پایان عمر در آنجا به تدریس مشغول بود، اما آنطور که گفته‌اند ریشه‌های تفکر سیاسی اروپا را می‌توان در آثار بزرگ او به نام‌های «جمهور» و «سیاست» و «قوانین» پیدا کرد.

در کتاب جمهور که نوشته عمده‌ای در فلسفه سیاسی او به حساب می‌آید سیاست، اقتصاد، فلسفه اخلاق، تاریخ، فلسفه فرا طبیعی و اکثر آنچه که مورد نیاز بوده است و در توسعه زندگی بشر نقش تعیین کننده‌ای داشته است مورد بحث قرار گرفته است. افلاطون در جمهور این را گفت که سیاست یک هنر است و مانند همه هنرهای دیگر برای موفق شدن نیاز به دانش کارشناسی دارد و در جایی دیگر در این کتاب گفته است که سه نیرو انسان را بر می‌انگیزد که عبارت اند از اشتها، روحیه و عقل.

اثر دیگر او که «سیاست» نام دارد که در این اثر نیز با تکرار برخی از اصول جمهور روبرو می‌شویم، افلاطون در بخشی از این کتاب گفته است: «پرورش مردم با فضیلت وظیفه فرمانرواست، آموزش کار ویژه مهم حکومت است و قانون فرود تر از دانش است» و در بخشی دیگر نیز در دسته بندی دو سویه‌ای برای دولت‌ها ارائه می‌دهد که شامل دولت‌های رعایت کننده قانون و دولت هایی که بی اعتنا به قانون هستند شامل می‌شود. اثر سوم او که در سال‌های اواخر عمرش نوشت شده است که در این کتاب شاهد افول ادبی اثر نسبت به آثار قبلی است که این اثر «قوانین» نام دارد.

در این کتاب تمایل به استدلال، توجه به دین، گرایش به محافظه کاری و... همه نشان از پیری افلاطون است اما با این حال قوانین اثر سیاسی مهمی محسوب می‌شود و از برخی جهات بیشتر از جمهور تأثیرگذار بوده است. اما ارسطو که او در استاگیرا (استاورو) متولد شد پدر او طبیب پادشاه مقدونی (جد اسکندر مقدونی) بود. ارسطو در سن ۱۷ سالگی به آتن رفت و تا سن ۳۷ سالگی در انجا ماند و در آکادمی افلاطون درس می‌خواند شغل

پدرش بر او تأثیر داشت و باعث شد تا او به علوم زیست شناختی نیز روی آورد. در ضمن باید گفت که او در ابتدا به عنوان نوآموز و بعد به عنو ان دستیار افلاطون به کار خود ادامه داد تا افلاطون در گذشت.

بعد از این ماجرا ارسطو اکادمی را ترک کرد و به لسبوس رفت و زیست شناسی دریایی خواند و پس از مدتی به عنوان مشاور غیر رسمی هرمیاس کار کرد و در سن ۴۰ سالگی با خواهر زاده یا دختر خوانده او ازدواج کرد. ارسطو در سال ۳۳۵ قبل از میلاد به اتن بازگشت و مدسه‌ای را با نام لیسیم بر پا کرد که در این مرسه شیوه آموزش به شکلی بود که شاگردان در حالی که قدم می‌زدند درس‌های خود را می‌آموختند، پس این امر موجب این شد تا نام مکتب او را مشایی یا پریپالوسی گذاشتند.

از آثار او که به مدت ۳۰۰ سال با انجیل رقابت کرد و بعد در شمار کتاب‌های مقدس مسیحان در آمد و اینکه کلیسای رم در آن زمان او را یکی از استادان مسلم می‌دانست که راهنمایی علمی و عملی انسان‌ها را بر عهده دارد. ارسطو معتقد بود که کارهای تعلیم و تربیت به دست دولت باشد نه به دست افراد یا گروه‌های خصوصی، دولت باید بنا به مقاصد خود افراد را تربیت کند.

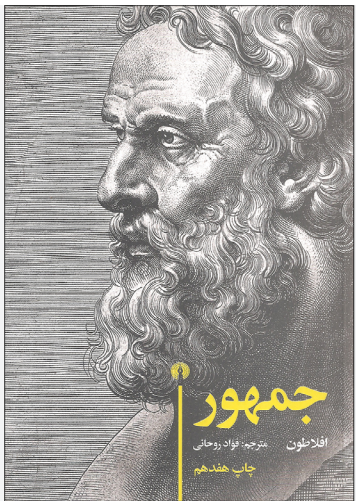
در نظام اخلاقی ارسطو خوبی در سه نوع انسان نمایان است در «انسان خوب» «شهروند خوب» و «فرمانروای خوب» و اما طرح او در باره ی دولت آرمانی و پیشنهادهای او در باره‌ی نظام تربیتی کامل به نظر نمی‌رسد و انتهای بحث ناگهان قطع شده است، اما آنچه که مشخص است این است که اغلب گفته می‌شود ارسطو و افلاطون مخالف یکدیگر بوده‌اند که این گفته چندان درست به نظر نمی‌رسد و نشان از عدم آگاهی کامل از فلسفه افلاطون و ارسطو نشان می‌دهد.

با نگاهی ژرف به اندیشه‌ها و آثار آنها می‌توان گفت که ارسطو بزرگترین افلاطون گرا بود چرا که کوشیده است بدون نقایص نظام فکری افلاطون، یک فلسفه ایده آلیستی ترسیم کند، به عبارت دیگر می‌توان گفت که ارسطو در واقع رشد افلاطون‌گرایی بود هر چند که اختلاف دیدگاه‌هایی که میان آن دو وجود داشته است که امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است.

آشنایی با آرمانشهر افلاطونی

در کتاب جمهور

✍ امیررضا بخشی



لذا جهت جلوگیری از این جنگ طبقات مرتبط با قدرت سیاسی (طبقه فیلسوفان و پاسداران) نباید مالکیت چیزی را دارا باشند. این در حالی است که طبقه توده به دلیل تحت تسلط نیرو و غریزه اشتها (منفعت طلبی) هستند حق داشتن مالکیت را دارا هستند. افلاطون در این بخش عدم مالکیت را در همه چیز حتی زن و فرزند نیز وارد می‌کند. (این دیدگاه در کتاب سیاستمدار کمی تعدیل می‌شود اما رد نمی‌شود اما شاگرد وی ارسطو به کل آن را رد می‌نماید).

افلاطون تحت تأثیر جامعه آتن که در آن فساد و تجمل‌پرستی و رقابت‌های سیاسی در بین مردم به ویژه حاکمان گسترش یافته، و موجب سست شدن بنیان جامعه و اخلاق انسانی شده بود، این موضوع را مطرح می‌نماید.

افلاطون با مشخص نمودن بی‌عدالتی در شکل‌گیری حکومت‌های غیر مطلوب و فاسد نسبت به حکومت آرمان‌شهری فیلسوف – شاه، به ۵ دسته حکومت اشاره می‌کند:

۱- **حکومت فیلسوف** – شاه: تحقق آن اصلی‌ترین هدف و بهترین نوع حکومت است.

۲- **تیموکراسی**: در این نوع حکومت یکی از افراد از طبقه سرباز – پاسدار زمام امور را به دست می‌گیرد.

۳- **اولیگارش**: نظامی است که در آن یک گروه اقلیت تحت سیطره غریزه اشتها (منفعت طلبی

و ثروت اندوزی را به عنوان فضیلت طرح و از آن جهت مشروعیت حکومت خود استفاده می‌کنند.

۴- **دموکراسی**: با گسترش نارضایتی توده مردم از حکومت اولیگارش و رد مشروعیت ثروت برای حکومت داری از سوی آنها انقلاب می‌شود و مردم توده خود زمام امور را به دست می‌گیرند و حکومت دموکراسی را تشکیل می‌دهند.

۵- **تیرانی یا ستمگری**: با شکل‌گیری دموکراسی و عدم توانایی توده برای اداره جامعه و وقوع هرج و مرج ناشی از تغییر حکومت و ناتوانی از تحقق یافتن مطالبات به ویژه فشار بر طبقه میانه جامعه، زمامداری فردی ایجاد شده و تمام تصمیمات را بر مبنای نظرات فردی اتخاذ می‌کند و بدین شکل حکومت تیرانی (ستمگری) از دل دموکراسی توده‌ای ایجاد می‌شود.

آنچه در این نوشتار آمد نگاهی اجمالی و بیانی ساده پیرامون مهمترین اثر افلاطون (جمهور) بود. در ادامه نوشتارهای بعدی نگاهی گذارا به دو اثر دیگر افلاطون (سیاستمدار و افلاطون) خواهیم نمود.

فیلسوف – شاه دارا هستند. افلاطون برای تحقق این حکومت آرمانی، دو اصل را مورد توجه و لازم می‌شمارد:

۱- اصل تعلیم و تربیت

۲- اصل کمونیسم

او معتقد است که تعلیم و تربیت افراد یک جامعه جز اصول مهم برای حفظ جامعه بشری و حکومت است. دولت باید به این امر توجه ویژه داشته باشد لذا پیشنهادات می‌دهد که نظام آموزشی باید کاملاً دولتی و تحت نظارت دولت اداره شود. به حضور زنان و تعلیم و تربیت آنان توجه کرد و این بخش از جامعه را نباید از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی محروم نمود (در آن زمان زنان آتنی حق شرکت در فعالیت‌ها نداشتند). در طرح تربیتی افلاطون در کتاب جمهور آموزش دو مرحله در نظر گرفته شده است؛ مرحله اول آموزش که تا سن ۱۸ سالگی ادامه خواهد یافت و همگانی است و در این دوره به افراد آموزش ژیمناستیک (ورزش جسمانی) و موسیقی (ورزش روحی) داده شود. (لازم به عرض است که منظور افلاطون از موسیقی ادبیات و شعر است و نه آنچه ما امروزه از کلمه موسیقی برداشت می‌کنیم). وی جهت جلوگیری از انحراف در آموزش نظام سانسور را پیشنهادات می‌دهد تا از تربیت نادرست افراد جلوگیری شود. (به نظر می‌رسد که تأکید افلاطون به دولتی بودن آموزش استفاده از قدرت دولت در مبارزه با انحراف در تعلیم و تربیت است.)

در بخش دوم آموزش که دوره عالی است و غیر همگانی، افراد توانمند از ۲۰ سالگی تا ۳۵ سالگی به آموزش می‌پردازند و در صورت عدم موفقیت وارد امور حکومتی شده و به انجام وظیفه محوله می‌پردازند و در صورت موفقیت و احراز توانمندی وارد مرحله بعدی این دوره که از ۳۵ تا ۵۰ سالگی است می‌شوند. در این قسمت افراد ضمن حضور در طبقه فیلسوفان، توانایی‌ها و شایستگی‌های لازم را برای حکومت کردن پیدا کرده‌اند.

افلاطون عدالت را ایجاد جامعه‌ای می‌داند که در آن هر فردی در آن جایگاهی قرار داشته باشد که به آن تعلق داشته و شایسته آن باشد و آن کاری انجام دهد که بر حسب آموزش برای آن مناسب است. پس لازمی تحقق این عدالت را تخصصی شدن امور از راه آموزش می‌داند.

در جمهور سخنی از قانون به میان نیامده است چون حکومت دانایان (فیلسوف – شاه) بدون ملاحظه قانون، عرف و افکار عمومی اعمال شود.

دومین اصل، کمونیسم است که در جمهور به آن پرداخته شده و لازمه ی آرمانشهر افلاطونی است. کمونیسم مورد نظر افلاطون برخلاف مارکس بیشتر از آنکه هدفی اقتصادی داشته باشد هدفی سیاسی دارد. افلاطون معتقد است که مالکیت – هر شکل و عنوان – عامل ایجاد شکاف و اختلاف است و این اختلاف باعث ایجاد جنگ قدرت خواهد شد

افلاطون از فیلسوفان بزرگ یونان باستان، از جمله متفکرین بزرگی است که آثار وی در موضوعات حکومت و سیاست علی‌رغم گذشت ۲۵ قرن از آن هنوز هم مورد توجه جدی صاحب‌نظران این عرصه بوده است.

وی پیرامون موضوع دولت و اشکال آن در مهمترین آثار خود جمهور، سیاستمدار و قوانین به ارائه دیدگاه‌های خود پرداخته است. دیدگاهی که در این سه اثر از آرمانگرایی به عملگرایی در حرکت بوده است.

کتاب جمهور که تأثیرگذارترین اثر سیاسی افلاطون است در موضوعات مختلف سیاست، اخلاق، فلسفه و تاریخ و به طور کلی اکثر مسائل مورد توجه در یک دولت و اجتماع – به دلیل ارتباط دین، سنت، اخلاق با سیاست و حکومت در اندیشه سیاسی یونان باستان – موردتوجه و بحث قرار گرفته است.

افلاطون معتقد است که سیاست یک هنر است و همچون هنرهای دیگر که هنرمند باید جهت استفاده بهینه و مطلوب از هنر خود از سطح تخصص لازم برخوردار باشد، ساستمدار و حاکم نیز باید همین شاخصه را داشته باشد؛ اما از آنجایی که توده مردم را از داشتن تخصص (رسم حکومت داری و سیاستمداری) برخوردار نیستند، دموکراسی را در کتاب جمهور مورد انتقاد و حمله قرار می‌دهد و آن را حکومت بی‌خردان می‌نامد.

افلاطون با تبیین نیروی‌های غریزه در هر انسان – تحت تأثیر مکتب فیثاغورسیان – به سه نوع غریزه که اولین آن، اشتها (روح منفعت طلبی صرف)، غریزه کسب افتخار و شرف که ریشه در جسارت و شجاعت دارد و سومین آن نیروی خردمندی و عقل اشاره می‌کند و معتقد است که در هر انسان هر سه نوع وجود دارد اما یکی بر دوتای دیگر سیطره و تسلط دارد.

افلاطون در ادامه در این کتاب با تقسیم مردم یک جامعه به سه دسته، معتقد است که هر دسته تحت تأثیر یکی از این غریزه‌ها هستند. بزرگترین طبقه در اجتماع تحت سیطره نیروی اشتها هستند که از آن به توده (عوام) یاد می‌کند، طبقه بعدی که از قبلی کوچک تر و از بعدی بزرگ‌تر است تحریک شده توسط نیروی شرف و افتخار خواهی می‌داند. طبقه سوم که کوچک‌ترین و مهم‌ترین طبقه است را تحریک شده توسط نیروی عقل و خردمندی تعریف می‌نماید.

او معتقد است که با فضیلت‌ترین عنصر برای هر انسان دانش و خردمندی است و متعاقباً برای دولت، حکومت با فضیلت‌ترین فرد بهترین شکل حکومت است. با فضیلت‌ترین فرد کسی است که تحت نیروی عقل باشد و آن کسی نیست جز فیلسوفان. افلاطون معتقد است که بهترین طبقه برای حکومت کردن بر جامعه، طبقه سوم، خردمندان یا فیلسوفان هستند. افلاطون فیلسوف حاکم بر دولت را فیلسوف – شاه و طبقه دوم را سرباز – پاسدار می‌نامد که نقش دوم را در حکومت

مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی ما چیست؟

منبع: تابناک

خانواده؛ کانون چالش یا آسایش

حسین باهر

به نظر بنده مهم‌ترین چالش اجتماعی کشور در سال‌های اخیر همانا تزلزل بنیاد خانواده به‌ویژه در سطوح شهری و به‌خصوص در کلانشهر تهران بوده است. جامعه سالم مجموعه‌ای از خانواده‌های سالم است و خانواده تنها یک نهاد اجتماعی صرف نیست، بلکه کانون اصلی رشد و تعالی انسان‌هاست و می‌تواند زمینه‌ساز تکامل بشر باشد.



در قرآن کریم صریحاً به برابری زن و مرد در کانون خانواده اشاره شده است و بر پایه اینکه زن و مرد از جان و نفس یکدیگرند؛ مودت، رحمت، لطف و آسایش را بین آن دو قرار داده است. البته هم وجود مسائل نوپدید اجتماعی و هم چالش‌های مثبت و منفی اجتماعی بعضاً حکایت از ضرورت رنسانس اجتماعی دارد. إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (سوره رعد آیه ۱۱) مسائل و معضلات خانوادگی و اجتماعی را می‌توان فهرست‌وار چنین اولویت‌بندی کرد:

۱. تغییر نظام سنتی خانواده به سمت بی‌نظمی و نه لزوماً نظام صنعتی و مدرنیته.
 ۲. افزایش درصد طلاق‌های عینی و عاطفی و کاهش ازدواج‌های رسمی و دائم.
 ۳. گسترش فحشا، فساد، خیانت و بیماری‌های مقاربتی حتی بین بعضی از ساکنین روستاها.
 ۴. ناامیدی روزافزون دختران تحصیل‌کرده از پیدا کردن کار مناسب و ازدواج متناسب.
- از عواملی که در پیدایش این زمینه‌ها موثر است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- الف. رنگ پریدگی اخلاقی
 - ب. تهاجم ماهواره‌ای
 - ج. نابسامانی اقتصادی (مرفهین و غیرمرفهین)
 - د. و از همه مهم‌تر نبودن الگوهای فرهیختگی و فقدان برنامه‌های ارجمندی اخلاقی و امید به طلوع صبح صادق.



اعتیاد، مادر آسیب‌های اجتماعی

سیدحسن موسوی چلک

طبیعتاً اگر بخواهیم به مشکلات اجتماعی بپردازیم، باید این را بدانیم که تمامی مشکلات مانند زنجیر به هم متصل هستند. من تأکید می‌کنم مشکلات اجتماعی زنجیر هستند بنابراین وقتی از آسیب‌های اجتماعی و بحران‌های اجتماعی سخن می‌گوییم، در واقع سخن از زنجیره‌ای است که دچار اختلال‌های فراوان شده است. اما اگر بخواهیم از یکی از مهم‌ترین بندهای این زنجیره صحبت کنیم باید به معضل اعتیاد در جامعه اشاره کنیم. براساس آمار موجود بیشترین دغدغه اجتماعی ما در ارتباط با حوزه مواد مخدر است. در حوزه مواد مخدر ما با بیشترین آسیب‌های اجتماعی مواجه هستیم. از طرفی هم خود مواد مخدر در بروز آسیب‌های مختلف تأثیرگذار است.

بنابراین وقتی درباره مواد مخدر حرف می‌زنیم، در واقع این زنجیره‌های آسیب‌های اجتماعی هستند که هنگام مواجهه با آسیب مواد مخدر باید مورد توجه قرار بگیرند. تأثیر اعتیاد بر طلاق، خشونت‌های خانوادگی، فرار و حتی ارتکاب جرائم بر هیچ کس پوشیده نیست. به همین دلیل باید به حوزه مسائل اجتماعی نگاهی همه‌جانبه داشت. حل این مساله هم با نگاه جزیره‌ای امکان‌پذیر نیست. شما زمانی می‌توانید حوزه اجتماعی را تقویت کنید که نگاه همه جانبه به موضوع ببندازید. بنابراین هم در سیاستگذاری‌ها در سطح کلان کشور، هم در سطح اجرا و هم تبیین برنامه‌ها باید به موضوع سلامت اجتماعی به‌عنوان مساله اصلی و تأثیرگذار در کنترل آسیب‌های اجتماعی توجه کرد. در کنار آن هم باید برنامه‌ریزی برای توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی و تقویت هویت فرهنگی مورد توجه قرار بگیرد و اینکه در تصمیم‌گیری‌های سایر حوزه‌ها از جمله حوزه‌های سیاسی و اقتصادی باید تأثیراتش بر حوزه‌های اجتماعی را لحاظ کنیم؛ یعنی داشتن پیوست اجتماعی در تدوین طرح‌ها و لوایح اجتماعی کشور ضرورتی اجتماعی است.

نکته بعد نگاه واقع‌بینانه به حوزه اعتیاد، مواد مخدر و آسیب‌های اجتماعی است. ما باید در این حوزه نگاه اجتماعی‌مان را تقویت کنیم. اما دو مولفه در دو گروه برای کنترل و کاهش مواد مخدر تأثیرگذار است. این دو گروه مردم و تشکلهای غیردولتی هستند و دو مولفه یکی مسئولیت‌پذیری یا مشارکت‌جویی و دیگری مطالبه‌گری اجتماعی در این حوزه بسیار اثرگذار است. این موارد می‌توانند کمک کنند ما در کنترل آسیب‌های اجتماعی موثرتر از قبل کار کنیم. لازمه آن این است که ما شفاف باشیم. من زمانی مسئولیت می‌پذیرم و زمانی مطالبه‌گر هستم که اطلاعات کافی را از، وضعیت موجود داشته باشم تا بتوانم حرکت و اقدام کنم.

آسیب بزرگ طلاق

مجید ابهری

آسیب‌های اجتماعی هریک به نوبه و اندازه خود برای جامعه زیان‌بار بوده و همواره افراد اجتماع از ناهنجاری‌های اجتماعی دچار زیان‌های معنوی و مادی می‌شوند. در کشور ما براساس مناطق جغرافیایی و فرهنگی و اطلس اجتماعی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مشترک و بعضی از آنها اختصاصی یا بیشتر در یک منطقه از کشور هستند. مهم‌ترین آسیب کشور ما اعتیاد است؛ مخصوصاً در حال حاضر که الگوی مصرف از مواد مخدر سنتی به مواد مخدر صنعتی و روانگردان‌ها تغییر یافته است و جامعه را با خطرات و چالش جدی مواجه ساخته است. اعتیاد هم خود زیان‌آور است و هم عوارض و آثار آن آسیب‌ساز هستند. بسیاری از طلاق‌ها و سرقت‌ها ناشی از وجود اعتیاد در زندگی است، حدود ۲۵ درصد از قاتلان در لحظه ارتکاب جرم مواد مخدر مصرف کرده و در حالت توهّم بوده‌اند، بنابراین اعتیاد و معتادان یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های کشور بوده که باید در زمینه پیشگیری، اقدامات وسیع‌تر و جدی‌تر انجام شده و در زمینه مقابله و درمان نیز امکانات بهتر و ارزان‌تری در اختیار افراد قرار گیرد. کودکان خیابانی و حتی بخشی از کودکان رهیافت حدود ۵۵ درصد از زندانیان هستند که در ارتباط مستقیم با اعتیاد و موادمخدرند، بنابراین ملاحظه می‌کنیم، عوارض زیان‌آور فرهنگی، اجتماعی، مادی و معنوی اعتیاد، تا چه اندازه خطرناک و گسترده است.

دومین آسیب در جامعه ما که در جایگاه تهدید جدی برای خانواده‌هاست، طلاق و عوارض آن است. بیهوهای جوانی که حداقل سن آنها ۱۷ سال است، اخیراً در جامعه ملاحظه می‌شوند. طلاق هم خود آسیب است و هم بستر آسیب‌سازی جامعه. زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار، کودکان بزه‌کار، دختران فراری، ازدواج‌های دوم نامناسب همه و همه ناهنجاری‌های مربوط به طلاق هستند. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به دلیل آنکه در حال صنعتی شدن است و از طرفی با تحریم و بحران اقتصادی روبه‌رو است، با مشکلات بسیاری مواجه است. از طرفی کشور ما یک منطقه مهاجرپذیر است و به راحتی نمی‌توان اقوام مختلف را در آن دسته‌بندی کرد. در کشوری که در آن مردم با فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنند، به ناچار شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز دستخوش تغییرات فراوانی می‌شود. ما به طور کلی باید بدانیم قتل، اعتیاد، فقر جوامع و خلاف‌های متعدد در جامعه‌هایی که دارای چنین شکل جغرافیایی‌ای هستند و تنوع فرهنگی فراوان دارند تازگی ندارد و باید بتوان این مشکلات را تا حد ممکن کاهش داد. مشکلاتی که می‌تواند شرایط اجتماعی زندگی افراد را دچار بحران‌های عدیده کند. باید به فکر راه‌حل‌های اساسی و به فکر درمان بیماری‌های اجتماعی باشیم؛ بیماری‌هایی که باعث شده مردم کشور ما از ازدواج روگردان باشند، از مولود روگردان شوند و ترجیح دهند زندگی را به تنهایی بگذرانند. اما اگر بخواهیم به طلاق بپردازیم، بالطبع باید دنبال راه‌حلی برای کاهش این آسیب باشیم. گزینش مناسب، آموزش مهارت‌های زندگی و مشاوره قبل از ازدواج اهرم‌های مناسب برای کاهش آمار طلاق هستند.

بیکاری، درد بزرگ جامعه ما

امان الله قرایی‌مقدم

مهم‌ترین مساله‌ای که در حال حاضر جامعه و کشور ما با آن دست به گریبان است، بیکاری است. بیکاری معضل بزرگ جامعه ما است که به همراه خود پیامدهای ناخوشایندی را برای خانواده و فرد بیکار می‌آورد؛ مشکلاتی از قبیل فقر اقتصادی، مشکلات روحی و روانی، افت ارتباطات خانوادگی، مشاجره، خلاف‌کاری و عدم توجه به بنیان‌های خانواده. اینها همه مشکلاتی است که فرد بیکار و خانواده او با آن دست به گریبان هستند. این مشکلات باعث می‌شود درون خانواده با ناهماهنگی و عدم ثبات روبه‌رو شود که پیوستگی و وابستگی را میان افرادش به بیشترین شکل ممکن کاهش دهد. از طرفی ما در جامعه خود با فروریختگی ارزش‌های جامعه روبه‌رو هستیم، مشکلی که می‌تواند به راحتی بنیان‌های اصیل یک جامعه را به انحراف بکشاند و آن را از بین ببرد. خانواده‌ای که از درون پاشیده می‌شود، دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد و همین باعث می‌شود که خودش را رها کند، خودش را از بند اتفاقاتی که باعث پایبندی می‌شود خلاص کند و ما با بالا رفتن آمار خودکشی در کشورمان مواجه شویم. بیکاری باعث می‌شود که فرد زندگی را به هیچ بشمارد چراکه هیچ انگیزه‌ای برای گذران زندگی و شب را به روز رساندن ندارد. افرادی که همه تلاش خود را می‌کنند که زندگی بهتری داشته باشند، وقتی با معضل بیکاری مواجه می‌شوند دیگر زندگی و آینده برایشان بی‌اهمیت می‌شود و در واقع خود را به دست سرنوشتی می‌سپارند که هیچ‌چیز آن معلوم نیست. متأسفانه در حال حاضر جامعه ما مشکلات فراوانی دارد که بیکاری به بسیاری از این مشکلات دامن می‌زند. فرض را بر این بگذارید که مردی که سرپرست یک خانواده چهارنفره است، بیکار باشد، او باید برای تهیه مایحتاج روزانه زندگی، خود را به آب و آتش بزند، این به آب و آتش زدن ممکن است مشکلات بی‌شمار و زیادی را برای او ایجاد کند، مشکلاتی که فرد نمی‌تواند با آن کنار بیاید اما چاره‌ای نیست. همین واژه چاره‌ای نیست می‌تواند آبی روی آتش وجدان فرد باشد و او دست به دزدی، قاچاق و قتل بزند. فردی که بیکار می‌شود دیگر تعریف درست و جامعی از اوقات فراغت ندارد و نمی‌تواند مانند آدم‌های دیگر برای خودش شرایط ایجاد آرامش را مهیا کند. بیکاری ام‌الامراض همه مشکلات یک جامعه است. جامعه زمانی می‌تواند پویا باشد و به رشد اقتصادی دست یابد و از تخلفات اجتماعی عاری شود که افراد در آن شغل داشته باشند و در کنار شغل از نظر کاری حاشیه امن برایشان ایجاد شود؛ حاشیه امنی که همیشه استرس و ترس از دست دادن کارشان را نداشته باشند، این همان دردی است که ریشه‌کن کردنش جز با فرهنگ‌سازی و همچنین ترمیم پایه‌های اقتصادی کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. کشوری که بحران بیکاری خود را بتواند حل کند، قطعاً در مهم‌ترین مشکل خود توانسته است با سربلندی بیرون بیاید و این ارزش بزرگی است. ارزش برای جامعه‌ای که جوان‌هايش برای پیدا کردن یک کار مناسب دست به هر چیزی می‌زنند تا بتوانند ماهانه برای گذران زندگی خود و خانواده خود مبلغ ناچیزی را دریافت کنند.

هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

داور شیخاوندی

وقتی به معضلات مهم یک جامعه اشاره می‌شود، بحث از کلیشه‌های عادی فراتر می‌رود و ما با ماجرای گسترده‌تری طرف خواهیم شد. معضلات جوامع بر هیچ‌کس پوشیده نیست و اگر هر کدام از ما بخواهیم بنا به تخصص خودمان از مسائل و معضلات یک جامعه سخن به میان بیاوریم کار دشواری نخواهد بود، چرا که همه آن‌هایی که با جامعه خود آشنایی کافی و وافی داشته باشند می‌توانند به دغدغه‌ها و مشکلاتی بپردازند که جامعه‌شان را درگیر خودش کرده است. اما من فکر می‌کنم مسائل فراتر از این چیزها باشد. مشکل ما زمانی نمود پیدا می‌کند و قابل حل می‌شود که با خودمان روراست باشیم و بتوانیم بحران‌های اجتماعی را به خوبی بشناسیم. من فکر می‌کنم که ما جامعه‌شناسان به‌درستی جامعه خود را نفهمیده‌ایم. در واقع هنوز در معنای لغوی جامعه مانده‌ایم و متأسفانه با واژگانی که ترجمه می‌کنیم و دیگران به ما می‌دهند سردرگم‌تر از پیش می‌شویم. بسیاری از جامعه‌شناسان ما فرق فاحش میان اجتماع و جامعه را نمی‌دانند. اجتماع (Community) به هر گستره جمعی گفته می‌شود. ممکن است عده‌ای در بخشی از کشور اجتماع کنند اما جامعه را تشکیل ندهند. اجتماع یک همزیستی تلقی می‌شود که در واقع خصوصی و انحصاری است و تعریف آن با جامعه کاملاً متفاوت است. اما جامعه (Society) مهم‌ترین بخشی است که یک جامعه‌شناس باید وقت خود را برای مطالعه آن اختصاص دهد. جامعه با «اجتماع» متفاوت است و الزاماً در هر جا که مجموعه‌ای از نهادها وجود داشته باشد، جامعه پدید نمی‌آید و نیز جامعه خودبه‌خود از مجموع «اجتماع» حاصل نمی‌گردد. من مشکلات و مسائل ایرانی را سه‌بعدی تعریف کرده‌ام و می‌گویم مسائل ایران اجتماعی-جامعوی-جامعتی است. بحث جامعوی در واقع صفت را در بر می‌گیرد و جامعیتی صفت کلان جامعه ماست. بگذارید با مثالی مساله را برای شما ساده کنم. خانواده بحث اجتماعی ماست، جامعه مدنی بخش جامعوی مسائل ما را در بر می‌گیرد و جامعه صفت کلان جامعیتی می‌شود، به‌زعم من باید مسائل را از خانه شروع کرد. فرد وقتی وارد جامعه بیرونی می‌شود مسائل وی جامعوی می‌شود و وقتی وارد نهاد‌های رسمی و دولتی می‌شود با بخش جامعیتی ماجرا سر و کار دارد.

اگر ما همه این بخش‌ها را شناسایی کنیم به راحتی از پس حل مسائل هم بر خواهیم آمد. اما وقتی طرح مساله پیش می‌آید سعی می‌کنیم با گفتن مشکل اجتماعی همه چیز را حل کنیم، این در حالی است که باید بدانیم اگر مشکل در خانواده شکل بگیرد، نوع آن فرق می‌کند. اگر این مقوله‌ها را شناسیم در حل مساله راه به جایی نخواهیم برد. با چسباندن واژه اجتماعی به هر چیزی نمی‌توان مسائل جامعه را حل کرد. در نتیجه ما هنوز اندر خم یک کوچه هستیم و متأسفانه جامعه‌شناسی ما کودکی است که هنوز زبان باز نکرده است و در واقع در تک کلمه‌ها باقی مانده است.

مشکل نخبگان بی تفاوت

سعید معیدفر

ترجیح می‌دهم از یک مشکل به‌عنوان بحران بزرگ اجتماعی کشور نام ببرم، چراکه فکر می‌کنم به‌طور کلی بی‌توجهی به مسائل جامعه و انفعال در مقابل آسیب‌ها مهم‌ترین مشکلات اجتماعی کشور ما هستند. ما سال‌هاست که درباره مشکلات و مسائل اجتماعی کشورمان صحبت می‌کنیم و جالب اینجاست که هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد. انگار وظیفه ما عده اندک آن است که حرف بزیم و آن عده زیاد تماشاچی سکوت کنند و حرف‌های ما هم به هیچ کجا نرسد. انگار این وظیفه ما شده است که برای رسانه‌ها خوراک تهیه کنیم و با حسرت بگوییم که هر سال دریغ از پارسال، متأسفانه باید اعتراف کنم که مشکلات جامعه‌ما در حال تلنبار شدن است و درباره این مشکلات هم هیچ‌گونه اظهارنظر تخصصی‌ای انجام نمی‌شود. اگر هم اظهارنظری تخصصی انجام گیرد متأسفانه برای آن ارزشی قائل نمی‌شوند. مهم‌ترین مشکل جامعه ما بی‌تفاوتی نخبگان نسبت به مشکلات است. از طرفی می‌بینیم که مسئولان هم به هشدارهایی که به آنها داده می‌شود توجه نمی‌کنند.

عده معدودی هم که سعی می‌کنند همگان را نسبت به مشکلات و آسیب‌های جامعه آگاه کنند متهم به سیاه‌نمایی می‌شوند. این ماجرا به شدت خطرناک است و باید فکری به حال آن کرد. این بی‌توجهی می‌تواند جامعه را از تحرک بیندازد و گرفتار مشکلات پیچیده‌ای کند که تمامی نخواهد داشت. مشکلات هرچقدر بزرگ‌تر بشوند تصمیم گرفتن درباره آنها دشوارتر می‌شود، متأسفانه طرح مساله کردن در کشور کار سختی به نظر نمی‌رسد، اما حل مساله بحران بزرگی است. هنگامی که یاد بگیریم با مشکلات و مسائل در جریان کشور به خوبی روبه‌رو شویم و از پس حل کردن مشکلات‌مان بر بیاییم آن هنگام است که می‌توانیم بگوییم ما مملکتی هستیم که توانایی فائق آمدن بر مشکلات را دارا هستیم.

برای حل این بحران بزرگ فقط و فقط یک راه‌حل وجود دارد و آن این است که از طرح مسائل و مشکلات نترسیم و بتوانیم راهکارهای مناسبی را برای حل مشکلات اجتماعی خود ارائه بدهیم. انگار کسی بلد نیست به حل مسائل برسد. من اگر بخواهم برای شما آسیب‌های جامعه را برشمارم کوهی از مشکلات را باید تعریف کنم، اما کو راه‌حل؟ به‌عنوان مثال برای معضل اعتیاد کدام راه‌حل درست جامعه‌شناسی را به یاد می‌آورید که در کشورمان عملی شده باشد؟ یا کدام طرح پیشنهادی درباره ازدواج جوانان ثمر داشته است؟ این مشکلات قرار نیست به راحتی حل شوند. باید دل‌مان بسوزد که نمی‌سوزد و این همان بحران بزرگی است که شما به دنبالش به‌عنوان آسیب بزرگ جامعه ما می‌گردید.

دردهای مشترک جوامع

مصطفی مهرآیین

وقتی صحبت از مشکلات جامعه به میان می‌آید باید دیدگاه دو بخش از جامعه‌شناسان یعنی جامعه‌شناسان عین‌گرا و جامعه‌شناسان ذهن‌گرا مورد مطالعه قرار گیرد. من به عنوان یک جامعه‌شناس عین‌گرا فکر می‌کنم بزرگ‌ترین بحرانی که کشور ما از نظر جامعه‌شناختی با آن دست به گریبان است، طرح سوال‌های جامعه‌شناختی بدون فکر کردن به راه‌حل‌هاست. در شرایطی که تمامی جوامع با مشکلات و مسائل فراوانی دست به گریبان هستند و خود آنها به این مسائل واقفند، دیگر طرح مساله به تنهایی نمی‌تواند مشکلات را حل کند. مشکلاتی که هر جامعه با تصورات خود می‌تواند راه‌حل مناسبی برای آن برگزیند.

این ماجرا را از سوی دیگری هم می‌توان مورد بررسی قرار داد. هر کدام از جامعه‌شناسان تخصص ویژه‌ای دارند، یکی آسیب‌شناس است، یکی جامعه‌شناسی تاریخی می‌داند، یکی جامعه‌شناسی خانواده را در تخصص دارد و دیگری با جامعه‌شناسی سیاسی دست به گریبان است، هر کدام از این متخصصان امر باید بتوانند در حوزه تخصصی که دارند مشکلات آن حوزه را مورد بازبینی قرار دهند و برای آسیب مربوط به آن یک راه‌حل مناسب برگزینند.

این همان مساله مهم مغفول مانده است. اما در یک نگاه کلی به جامعه می‌توان مشکلات آن را برشمرد، مشکلاتی که در تمام جوامع جریان دارد و تنها به جامعه ما محدود نمی‌شود. به عنوان مثال کدام جامعه است که با مشکل فقر، بیکاری، اعتیاد، قاچاق و خلاف روبه‌رو نباشد؟ اما نوع رویارویی هر جامعه و متخصصان آن جامعه با مشکلات متفاوت است. عده‌ای می‌دانند که چگونه باید خم مشکلات اجتماعی را گرفت، حل معضل را به خوبی می‌شناسند و چاره‌اندیشی برای آنها کار سختی نیست. هر چند همیشه ساختن از خراب کردن دشوارتر است، اما وقتی راه ساختن را به درستی بشناسی می‌توانی بر تمام مشکلات فائق بیایی.

مشکلاتی که جامعه ما را گریزی از آن نیست و جز با صرف وقت و زمان کافی نمی‌توان از پس مشکلات آن برآمد. موانع و مشکلات را باید هر کدام از متخصصان حوزه‌ها بشناسند، به جامعه معرفی کنند و در ادامه راهکارهای متناسب با آن بحران‌ها را نیز به خوبی بشناسند تا بتوانند از پس مصائب و مشکلاتی برپایند که همه جوامع با آن مواجه هستند، اما رویارویی هر جامعه با آن متفاوت است.

بحران تهاجم فرهنگی

غلامرضا جمشیدی‌ها

من به‌عنوان کسی که جامعه‌شناسی سیاسی را پیگیری می‌کنم به نظرم می‌رسد که مهم‌ترین چالش و مشکل ما در جامعه، چالش با غرب است. از نظر جامعه‌شناسی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی بخش عمده‌ای از معضلات ما بیرون از نظام اجتماعی ما اتفاق می‌افتد. درست است که ما در سخنان خود از دنیا و دهکده جهانی سخن به میان می‌آوریم، اما حقیقت امر آن است که قلدری آمریکا، کشوری که خود را ابرقدرت می‌داند یک سری قواعد از پیش تعیین شده‌ای را برای تمام جهان پیش آورده است و آنجا که به نفع خودش باشد همه چیز را تغییر می‌دهد.

به‌عنوان مثال کشوری مثل عربستان سعودی نهایت ارتجاع را داراست، اما برای آنکه منافع آمریکا و غرب را در گرو دارد هرگز مورد سوال هیچ‌کدام از ابرقدرت‌ها قرار نمی‌گیرد. البته مساله‌ای که برای ما جای خوشحالی دارد این است که مردم جامعه ما به این مسائل و مشکلات واقف هستند و می‌دانند که مشکلات ما از کجا نشات می‌گیرد. آنها تهاجم فرهنگی را به خوبی می‌شناسند. باید کمی درباره تهاجم فرهنگی هم صحبت کنیم. به نظر من بسیاری از مشکلات ما نیز ناشی از همین تهاجم فرهنگی است.

این تهاجم فرهنگی است که باعث می‌شود جوانان ما ازدواج نکنند و از فرزنددار شدن فراری باشند، آنها نمی‌خواهند مسئولیت زندگی را به دوش بکشند، چراکه غرب‌گرایی و زندگی بی‌قید و بند غربی به آنها یاد می‌دهد که چنین زندگی‌ای را پیش بگیرند.

اما من باز هم فکر می‌کنم وقتی جمهوری اسلامی توانسته است سبک جدیدی از زندگی را به تمامی جهانیان بگوید مجموعه کلی وجودی ما یک حرف تازه به جهان است و امیدوارم که خود ما هم بتوانیم این حرف تازه را از زبان خودمان بشنویم و با اتفاقات و مشکلاتی که غرب برای ما رقم می‌زند و زندگی خودمان و همچنین اجتماع‌مان را هدر ندهیم.

این همان راه مبارزه با غرب‌گرایی است، باید به آموزه‌های دینی- ایرانی کشورمان با پایبندی هرچه تمام‌تر نگاه کنیم تا بتوانیم از پس مشکلات اجتماعی خود که همه و همه ناشی از همان نگرش سطحی غربی است فائق بیاییم. این همان راه‌حل درستی است که باید برای زندگی خود مطابق با آرمان‌های جمهوری اسلامی برگزینیم.

شباهت‌ها و تفاوت‌های ناکثین و مارقین زمان

در گذشته و حال

ناکثین

ناکثین . [ک . ا] (اِخ) لقبی است که امیرالمؤمنین علی به اهل وقعه ُجمل میدهد. (یادداشت مؤلف). کسانی که در مدینه با علی بن ابیطالب بیعت کردند و در بصره عهد خود را شکستند و به جن ...

معنی کلمه ناکثین

روشنگری‌های حضرت علی برای شناساندن ناکثین و مارقین کارا نبود و همان پیمان‌شکن‌ها و از دین خارج‌شدگان بودند که واقعه عاشورا را رقم زدند. آنها که امام حسین را دعوت کردند و با پیمان شکنی مسبب شهادت وی و اسارت خاندانش شدند و همچنین کسانی که دین واقعی را به درستی نشناختند و با دلیل‌های واهی در جبهه دشمن قرار گرفتند، همگی در دسته مارقین و ناکثین قرار دارند.

اما هرگز نباید تاریخ را نادیده گرفت و علت تاکید بر مطالعه تاریخ همین امر است. بسیاری گمان می‌کنند حضور ناکثین و مارقین محدود به گذشته و حضور ائمه می‌شد اما غافلند امروزه نیز بسیاری در این دسته‌بندی‌ها قرار می‌گیرند.

شاید بسیاری مدعی باشند که امروزه خوارج از رده خارج شده‌اند اما باید دانست تفکر افراط‌گری آنها همچنان در بین بسیاری از انسان‌ها باب است و آنها نیز به گونه‌ای خوارج زمان خود هستند. در دنیای امروز بسیاری خود را پیشتاز علوم دینی می‌دانند به طوری که نمی‌توانند به حرف‌های ولی دین توجه کنند و با ادعاهای بیهوده از مسیر اصلی دین خارج شده‌اند یعنی آن‌گونه عمل و رفتار می‌کنند که خوارج در زمان خود می‌کردند. از طرف دیگر بسیاری با عهدشکنی و نادیده گرفتن تعهدات دینی و انسانی خود ضربه‌های بزرگی را بر پیکره اسلام وارد کرده‌اند که گاهی بسیاری از آنها جبران‌ناپذیر است.

شاید برای بسیاری سوال باشد که باید چه چاره‌ای برای مقابله با ناکثین و مارقین اندیشید. باید دانست در طول تاریخ افرادی حضور داشته‌اند که به تقویت این دو گروه پرداخته‌اند و تنها راه مقابله با آنها افزایش آگاهی و شناختن آنها به تمام نسل‌ها است. باید همواره در تلاش بود با افزایش بصیرت چهره‌ی خائن‌ان و عهدشکنان را رسوا کرد تا بتوان به درستی از شر فتنه‌های آنها در امان ماند.

مارقین

/mAreqin/

مارقین . [ر ا] (ع ص ، ا) ج . مارق. ا [اِخ) خوارج بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام. مقابل ناکثین و قاسطین. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا) : دست از حمایت قاسطین و ناکثین و مارقین ب ...

معنی کلمه مارقین

تعریف ناکثین و مارقین

کلمه ناکثین به پیمان شکن‌ها اطلاق می‌شود یعنی کسانی که به عهد و پیمان خود وفادار نبوده‌اند. اولین بار این کلمه برای طلحه، زبیر و عایشه به کار رفت. آنها بعد از پیمان شکنی با حضرت علی عامل تفرقه شدند و با به راه انداختن جنگ جمل علاوه بر نقض پیمان خود بر ولی حق پیامبر نیز شمشیر کشیدند. علت آنکه حضرت علی از واژه ناکثین برای مسیبان جنگ جمل استفاده کرد به حدیثی از پیامبر اکرم برمی‌گردد که پیش بینی کرده بودند که حضرت علی بعد از وفات ایشان با ناکثین و مارقین خواهد جنگید لذا زمانی که این جنگ آغاز شد حضرت علی رو به سپاه آنها از این حدیث یاد کرد.

مارقین یا خارج شدگان اشاره به همان خوارج دارد. خوارج کسانی بودند که در رکاب حضرت علی در جنگ صفین جنگیدن اما بعد از پیش آمدن ماجرای حکمیت با افراط‌گری در نگرش‌های دینی و سیاسی خود به مبارزه علیه حضرت علی پرداختند.

ناکثین و مارقین از گذشته تا امروز

اسلام به عنوان دینی جامع بعد از وفات پیامبر به ولی حق او یعنی حضرت علی سپرده شد اما بسیاری به دلایل دنیاپرستانه تاب این مسئله را نداشتند زیرا در راس تمام امور حضرت علی اجرای عدالت و حدود الهی در اولویت قرار گرفته بود و این امر برای بسیاری غیر قابل تحمل بود. ناکثین و مارقین با وجود آوردن چند دستگی در دین رشته‌های اسلام را گسیختند و سبب ایجاد چند دستگی شدند پدیده‌ای که اثرات منفی آن همچنان بر جا مانده است. در طول دوران خلافت حضرت علی همواره این دو دسته از رانده‌شدگان بودند تا همگان بدانند حضور آنها روح نفاق و چند دستگی را به وجود آورده است.



رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

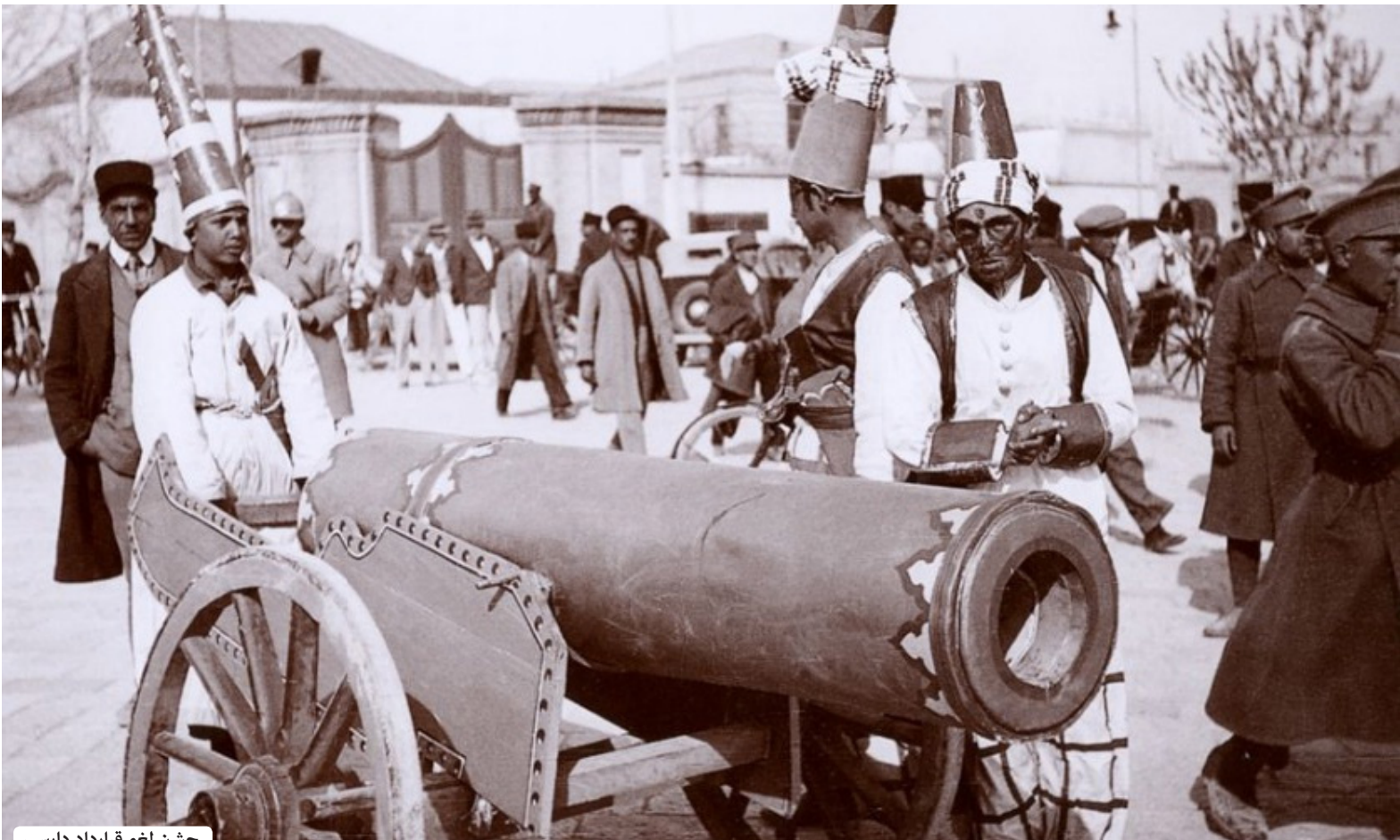
إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتَنُ
كَقِطْعِ أَلِيلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُم بِالْقُرْآنِ

هنگامیکه فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تار

شما را فرا گیرد بر شما باد

که به قرآن پناه ببرید .

زمینه‌های شکل‌گیری قرارداد استثماری ۱۹۳۳



جشن لغو قرارداد داری

محمدعلی زندی

پس از جنگ جهانی اول و از سال ۱۹۲۰ به بعد شرکت نفت ایران و انگلیس به توصیه مشاورین حقوقی و مالی خود با توجه به اهمیت نفت جنوب ایران برای دولت بریتانیا درصدد برآمد تا علاوه بر تمدید امتیاز داری، تجدید نظری هم در آن به‌عمل آورد تا اختلاف موجود بین شرکت و دولت ایران از میان برداشته شود.

کمپانی نفت جنوب همچنین پیشنهاد می‌کرد که مبنای احتساب حق‌الامتياز دولت ایران که به‌موجب امتیاز داری، ۱۶ درصد منافع خالص کمپانی و شرکت‌های تابعه آن، تعیین شده بود تغییر کرده و به‌مبلغ معین و معلومی برای هر تن نفتی که استخراج می‌گردد تبدیل گردد. درحالی‌که ایران نیز شکایاتی بر تعبیر و تفسیر قرارداد آرمیتاژ اسمیت داشت. در سال ۱۹۲۶م (۱۳۰۵) کمیسر نفت ایران نامه‌ای به سرجان کدمن رئیس هیأت‌مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران نوشت و از کمپانی خواست تا برای رفع اختلافاتی که بر موافقت‌نامه آرمیتاژ اسمیت و تفسیر و تعبیر شرکت‌های تابعه بوجود آمده و سبب کاهش سهم ایران از منافع کمپانی برای سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ گردیده است اقدام کند.

کمپانی نفت جنوب با استناد به قرارداد آرمیتاژ اسمیت، دعاوی ایران را در مورد کاهش سهم منافع مردود دانسته و از قبول پیشنهاد دولت ایران خودداری کرد از سال ۱۹۲۷ به بعد مذاکرات مفصلی برای حل اختلاف بین تیمور تاش وزیر دربار و نمایندگان کمپانی در جریان بودپیشنهاد تیمور تاش برای تجدیدنظر در مواد امتیاز داری مورد قبول کمپانی قرار گرفت و در سال ۱۹۲۹ سرجان کدمن برای شروع مذاکرات لازم و ارائه پیشنهادات کمپانی نفت به ایران آمد و پیشنهادهایی به شرح زیر تسلیم دولت ایران کرد:

۱. واگذاری ۲۰ درصد از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس به دولت ایران به‌طور رایگان، مشروط بر آن‌که دولت ایران حق واگذاری این سهام را به‌غیر نداشته باشند.
۲. محدود شدن حوزه عملیات امتیاز به ۱۰۰ هزار میل مربع
۳. پرداخت ۲ شیلینگ حق‌الامتياز برای هر تن نفت استخراجی
۴. لغو انحصار لوله‌کشی به خلیج فارس
۵. تمدید امتیاز داری به مدت ۳۰ سال دیگر مشروط بر آن‌که طرفین در سال ۱۹۶۱ پایان مدت امتیاز داری، حق لغو قرارداد را داشته باشند.

دولت ایران متقابلاً پیشنهاد ۲۵ درصد از سهام، و حق انتخاب دومدیر در هیأت‌مدیره با همان حقوق مدیران منتخب انگلیس در کمپانی را ارائه داد که مورد قبول واقع نشد و بدین صورت مذاکرات بدون نتیجه ادامه پیدا کرد. از سوی دیگر کاهش فوق‌العاده‌ی حق‌الامتياز ایران در سال ۱۹۳۱ نسبت به سال‌های قبل از آن سبب شگفتی و حیرت اولیای دولت ایران گردید، به‌ویژه آن‌که تولید نفت در سال ۱۹۳۱ به‌مراتب بیشتر از تولید آن در سال ۱۹۳۰ و سال‌های پیش از آن بوده، دولت ایران ضمن اعتراض به شرکت نفت ایران و انگلیس از قبول و دریافت حق‌الامتياز سال ۱۹۳۱ خودداری کرد و از کمپانی توضیحات خواست.

معروف است. این قرارداد که شامل ۲۷ ماده بود، از طرف ایران سیدحسن تقی‌زاده وزیر دارایی، و از طرف شرکت نفت سرجان کدمن، رئیس هیئت‌مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس، در تهران به امضاء رسید.

ارزیابی قرارداد ۱۹۳۳

در زمینه‌ی ارزیابی قرارداد ۱۹۳۳ و مقایسه آن با امتیاز داری دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است دولت وقت ایران امضای این قرارداد را پیروزی بزرگی برای کشور قلمداد می‌کرد. برخی از محققین و متخصصین نفتی و اقتصادی چون آلن فورد و دکتر آرتور میل‌سپو این قرارداد را مثبت ارزیابی کرده و آن را دست‌آورد مهم و موفق برای دولت ایران قلمداد کرده‌اند. اکثر محققین ایرانی قرارداد را مورد انتقاد قرار داده و معایب آن را بیش از محاسن آن برآورد کرده‌اند. برخی نیز آن را بدون در برداشتن امتیاز ویژه‌ای برای طرفین یعنی دولت ایران و کمپانی نفت جنوب ارزیابی نموده‌اند. نظر غالب و ارزیابی عمومی به‌طور کلی آن است که قرارداد ۱۹۳۳ به نوعی تنظیم شده بود که اگر چنانچه اجرای آن ادامه می‌یافت مشکلات و مصائب اقتصادی بیشتری برای ایران فراهم می‌آورد. برای درک بهتر قرارداد ۱۹۳۳ بهتر آن است که مزایا و معایب قرارداد را فهرست‌وار مورد بررسی قرار دهیم.

الف) مزایای قرارداد ۱۹۳۳

- ۱- در قرارداد ۱۹۳۳ وسعت گستره‌ی امتیاز از ۴۰۰ هزار مایل مربع به ۱۰۰ هزار مایل که با یک فرصت پنج ساله به شرکت اعطا شده بود کاهش یافت.
- ۲- دولت ایران تنها در ۱۶ درصد درآمد تمامی شرکت‌های اکتشاف، بهره‌برداری، ترابری و تصفیه بر مبنای امتیاز داری شریک بود، درحالی‌که بر اساس قرارداد ۱۹۳۳، در ۲۰ درصد درآمد شرکت مادر سهیم گردیده و به گونه‌ای غیرمستقیم در عایدات شرکت‌های وابسته که

تمام یا بخشی از سرمایه آنها وابسته یا متعلق به شرکت انگلیس بود، شریک می‌گردید.

- ۳- افزون بر ۲۰ درصد منافع ایران از درآمد ناشی از فروش هر تن نفت حق‌الامتياز (مالیاتی) بین ۴/۵ تا ۵ شلینگ تضمین شده به طلا سهم ایران محسوب می‌شد.

- ۴- حق انحصاری لوله‌کشی نفت به خلیج فارس از دست شرکت انگلیس خارج گردید.
- ۵- کمپانی متعهد گردید، کلیه عملیات در راستای نگاهبانی از مخازن زیرزمینی صورت پذیرد و اقدام به‌عملی ننماید که موجب زیان دولت ایران باشد.
- ۶- کمپانی متعهد می‌گردید که تمامی مدارک و نقشه‌های مهم را به گونه‌ای محرمانه در اختیار دولت ایران قرار دهد.
- ۷- کمپانی تعهد نمود که سالیانه ۱۰/۰۰۰ هزار لیبره برای اعزام دانشجو به اروپا تخصیص داده و افزون بر آن، از تعداد کارشناسان خارجی به‌طور تصاعدی کاسته و از شهروندان ایرانی، به‌جای آنها استفاده نماید.

این موارد می‌تواند بخشی از امتیازات ظاهری و فربیکارانه قرارداد ۱۹۳۳ شناخته شود، گرچه به آنها نیز عمل نشد.

ب) معایب قرارداد ۱۹۳۳

- ۱- شرکت نفت انگلیس و شرکت‌های تابعه از کلیه معافیت‌های گمرکی و مالیاتی بهره‌مند می‌شوند.
- ۲- اگر چه بر حسب ظاهر گستره‌ی حوزه امتیاز کاهش می‌یافت، لیکن با دریافت مهلت پنج ساله به شرکت اجازه داده می‌شد که بهترین منابع را با گزینش خود اختیار نماید.
- ۳- به شرکت این اختیار داده شده بود که اراضی خود را به شرکت‌های تابعه بفروشد. از سویی با توجه به امکان‌پذیر بودن تفسیر قرارداد، شرکت می‌توانست اراضی و اموال غیرمنقول خود را که در پایان کار متعلق به دولت ایران می‌شد از جنگ ایران خارج سازد.
- ۴- شرکت اجازه داشت که بهای اراضی دولتی

و یا شخصی را با بهای عادلانه پرداخت نماید صرف‌نظر از این‌که بهای اراضی نفت‌خیز با اراضی عادی سنجه‌پذیر نیست.

- ۵- شرکت برای استفاده از معادن ایران، حق بهره‌برداری بدون پرداخت هیچ وجهی را بدست آورد.
- ۶- کمپانی این اختیار را داشت که به احداث راه آهن، بندر و وسایل ترابری از هر نوع مبادرت نماید.
- ۷- شرکت برای تدارک لوازم مورد نیاز کارمندان مجاز به ورود کالا با معافیت گمرکی می‌گردید. اما بنابر نظر برخی کارشناسان از این امتیاز برای ورود کالاهای انبوه کشاورزی و صنعتی استفاده می‌کرد که خود مانع توسعه کشاورزی، صنعتی و تجارتی کشور می‌توانست باشد.
- ۸- شرکت از پرداخت گمرک و عوارض و مالیات‌های محلی از هر نوع نسبت به کالاهایی که برای عملیاتش ضروری بود معاف و این امر شامل معافیت از صادرات نیز می‌شد.
- ۹- شرکت ملزم نبود که هیچ بخشی از ارز اکتسابی از فروش نفت و صادرات خود را به پول ایرانی تبدیل نماید.
- ۱۰- از آنجا که حق‌الامتياز و مالیات بر مبنای تن تعیین می‌گردید، شرکت تلاش می‌نمود در صدور مواد نفتی به مواد کم ارزش یا نفت نامرغوب بی‌توجه باشد.
- ۱۱- با بهره‌گیری از اصلاح مواد نفتی فروش رفته در ایران و یا صادر شده از این کشور، شرکت نسبت به مواد نفتی تلف‌شده و یا مصرفی شرکت هیچ‌گونه مسؤولیتی نداشت.
- ۱۲- با وجود تعهد شرکت به حفظ منافع نفتی ایران و مراعات آن، بهره‌برداری از منابع گاز حاصله از منابع نفتی بدون استفاده ماند.
- ۱۳- در املاک دولتی حوزه امتیازی شرکت هیچ‌گونه پرداخت حقی صورت نمی‌گرفت. درحالی‌که شهروندان ایرانی برای بهره‌برداری از معادن، جنگل‌ها، بیشه‌ها بدون پرداخت حق معادن و غیره قادر به بهره‌گیری نبود.

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: مهندس مهدی کیان

سر دبیر: مهندس مهدی کیان

صفحه‌آرایی: میم گرافیک

شماره مجوز: ۸۳۵۸۳

وبسایت نشریه: www.panahemardom.ir

نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس، وفادار شرقی،

بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی، کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱

شماره‌های تماس: ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸ - ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳

فکس: ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳

نشریه پنام مردم را در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

@panahemardom



صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت

www.jaaar.com

جـاـاـر

عبدك به مطيع؟
از خواجه عبدالله انصاری پرسیدند: "عبادت چیست؟"
فرمود: عبادت "خدمت" کردن به "خلق" است...
پرسیدند: چگونه؟
گفت: اگر هر پیشه‌ای که به آن اشتغال داریم،
"رضا"ی خدا و "مردم" را در نظر داشته باشیم؛
"این" دشت عبادت است."
پرسیدند: پس "نماز و روزه و خصل..."
این‌ها چه هستند؟؟
گفت: اینها "طاعت" هستند که باید
بنده برای "ترک لذت‌های" به "خدا" انجام دهد
تا "انوار حق" بگیرد...



دانستی‌ها

➤ کوتاه‌ترین جنگ در تاریخ در سال ۱۸۹۶ بین زانزیبار و انگلستان رخ داد که ۲۸ دقیقه طول کشید.

➤ در ۴۰۰۰ سال گذشته هیچ حیوان جدیدی رام نشده است.

➤ هیچ‌وقت نمی‌توانی با چشمان باز عطسه کنی.

➤ تعداد انسان‌هایی که به وسیله خر کشته می‌شوند، از انسان‌هایی که در سانحه هوایی می‌میرند بیشتر است.

➤ چشم‌های ما از بدو تولد همین اندازه بوده‌اند، اما رشد دماغ و گوش ما هیچ‌وقت متوقف نمی‌شوند.

➤ هر تکه کاغذ را نمی‌توان بیش از ۹ بار تا کرد.

➤ در هرم خنوپوس در مصر که ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است، به اندازه‌ای سنگ به کار رفته که می‌توان با آن دیواری آجری به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر دور دنیا ساخت.

➤ اگر تمام رگ‌های خونی را در یک خط بگذاریم، تقریباً ۹۷۰۰۰ کیلومتر می‌شود.

➤ وقتی مگس بر روی یک میله فولادی می‌نشیند، میله فولادی به اندازه دو میلیونیم میلی‌متر خم می‌شود.

➤ آمریکا تا ۵۰ میلیون سال دیگر دو نیم خواهد شد.

➤ عدد ۲۵۲۰ را می‌توان بر اعداد ۱ تا ۱۰ تقسیم نمود، بدون آن‌که خارج قسمت کسری داشته باشد.

➤ ۳۰ برابر مردمی که امروزه بر سطح زمین زندگی می‌کنند، در زیر خاک مدفون شده‌اند.

➤ تنها حیوانی که نمی‌تواند شنا کند، شتر است.

➤ شیشه در ظاهر جامد به نظر می‌رسد ولی در واقع مایعی است که بسیار کند حرکت می‌کند.

➤ در هر ثانیه بیش از ۵۰۰۰ بیلیون بیلیون الکترون به صفحه تلویزیون برخورد می‌کند و تصویری را که شما تماشا می‌کنید، بوجود می‌آورد.

➤ شانس شبیه بودن دو اثر انگشت، یک به ۶۴ میلیارد است.

➤ یک لیتر سرکه در زمستان سنگین‌تر از تابستان است.

➤ قد انسان تا ۲۰، ۲۵ سالگی و گاهی ۴۰ سالگی بلند می‌شود و از چهل سالگی به بعد، قد انسان هر دو سال حدود ۶ میلی‌متر کوتاه می‌شود.

➤ فقط با از دست دادن یک درصد از آب بدن، احساس تشنگی می‌کنیم!

➤ دهان انسان روزانه یک لیتر بزاق تولید می‌کند.

➤ چیتا یا یوزپلنگ سریع‌ترین حیوان خشکی است. او در عرض فقط ۳ ثانیه ۱۰۰ کیلومتر در ساعت سرعت می‌گیرد. رکوردی که حتی سریع‌ترین خودروهای فراری هم نتوانسته‌اند بشکنند.

➤ کرم‌های ابرشیم در ۵۶ روز، ۸۶ هزار برابر خود غذا می‌خورند.

➤ تنها قسمت بدن که خون ندارد، قرینه چشم است.

➤ شتر در ۳ دقیقه ۹۵ لیتر آب می‌خورد.

رعایت بهداشت در تغذیه انسان

و سفارش ائمه و قرآن و حدیث پیرامون این موضوع

لیلا اسدی خرم‌آبادی



اولین سرمایه‌ای که هر فرد در زندگی خود دارد سلامتی است. بر کسی پوشیده نیست که تغذیه عاملی بسیار موثر در تضمین سلامتی جسم و روح است. مقصود از تغذیه سالم، مواد غذایی است که علاوه بر تامین مواد مغذی مورد نیاز بدن، به سلامتی و رشد نیز کمک کند. یکی از کامل‌ترین و جامع‌ترین مرجعی که می‌توان جهت داشتن تغذیه سالم به آن استناد کرد متون دینی است. با توجه به اینکه اسلام جامع‌ترین دین است و به تمام نیازهای بشر به خوبی پاسخ داده است می‌توان مطمئن بود از این امر مهم و ارزشمند غافل نبوده است و در این خصوص نیز تعالیم خود را در اختیار بشر قرار داده است. اسلام با تقسیم بندی مواد غذایی در دسته‌هایی همچون حلال، حرام و مکروه و یا با بیان روایات دینی از طریق ائمه به تغذیه سالم کمک کرده است.

تاکید آموزه‌های دینی بر غذای سالم

چرا تغذیه خوب مهم است

سال‌های متمادی بشر و اثرات مواد مغذی بر آن مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج حاصل از آن گویای این مطلب است که تغذیه درست علاوه بر افزایش طول عمر در سلامت روان نیز موثر است. همانطور که بر همگان روشن است افراط یا تفریط در تغذیه

در آیه ۱۵۷ سوره اعراف، عیس ۲۴، اعراف ۳۱، ۱۶۸ بقره و ... به خوراکی‌های پاک و ناپاک اشاره می‌کند که همگی دال بر این است از نظر خداوند روزی دهنده همه چیز قابل خوردن نیست زیرا متناسب با ساختار بدن انسان آفریده نشده است. در نهایت می‌توان گفت بیش از ۲۰۰ آیه از قرآن کریم بر تغذیه سالم تاکید دارد که علاوه بر مشخص کردن محرّمات به میزان خوردن و پرهیز از پرخوری نیز اشاره کرده است.

حدیث‌های در زمینه تغذیه

پیامبر اکرم و بسیاری از ائمه اطهار در ادامه قرآن کریم و با توجه به آموخته‌های دینی خود به آموزش تغذیه سالم پرداخته‌اند و حدیث‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد که امروزه به صورت طب اسلامی توسط متخصص این امر گسترش یافته است و به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است. در بحارالانوار جلد ۶۶ امام موسی کاظم فرموده است "اگر مردم در خوراک خود اعتدال ورزند بدن هایشان سالم خواهد ماند" و یا در کتب دیگر دینی همچون وسائل الشیعه، مکارم الاخلاق و ... روایاتی از خواص مواد غذایی مختلف و نحوه استفاده آنها آمده است به طور مثال در حدیث ۱ وسائل الشیعه جلد ۱۷ آمده است که "هرگاه وارد شهری شدید از پیاز آن بخورید زیرا با خوردن پیاز آن شهر از امراض عمومی آنجا در امان هستید".